

اکثریت

دوشنبه ۱۳ اسفندماه ۱۳۶۹ برابر ۴ مارس ۱۹۹۱ سال هفتم شماره ۳۳۹

جنگ، راه حل نیست!

فرب با شغف از پیروزی نظامی خردکننده بر عراق سخن می گوید. جنگ طلبان با استفاده از شور و وجود آمده در اذهان فرب خورده، روحیه نظامی گری را تقویت می کنند. ژنرال‌های محبوبیت یافته اند. در یک نظر سنجی در آمریکا، ۴۲٪ پس از جرج بوش، ژنرال کولین پاول رئیس ستاد ارتش آمریکا را کاندیدای شایسته ریاست جمهوری اعلام کرده اند. دیک چنی وزیر دفاع ۳۷٪ این آرا را به خود اختصاص داده است و حتی جنایتکار فاشیستی هم چون ژنرال شوایتسکف فرمانده نیروهای آمریکایی در خلیج فارس از نظر ۳۸٪ پرسش شوندگان پس از جرج بوش به عنوان شایسته ترین فرد برای ریاست جمهوری آمریکا معرفی شده است.

بنظر می رسد که جنگ طلبان خواست و روحیه خود را به خواست و روحیه اکثریت مردم آمریکا (و نیز اروپا) بدل کرده اند. در خبرها آمده است که همین بیکر وزیر خارجه آمریکا به خاورمیانه میاید تا رژیمهای منطقه را قانع سازد بخشی از نیروهای آمریکایی و تجهیزات سنگین آنان در منطقه باقی بماند. او چنین استدلال کرده است: اگر بحران دیگری پیش آمد نباید تأخیری در کارها حاصل شود، و منظور تأخیر در جنگ است. جنگ طلبان مصمم اند که جنگ را به شیوه و منطق حل بحرانهایی که خود مسبب آن بوده اند و تحمیل اراده "شمال" بر "جنوب" تبدیل کنند. اکثریت جامعه آمریکا و نیز اروپا از این خواست جنگ طلبان لاقط در وضعیت کنونی پشتیبانی می کنند. جنگ طلبان چنین استدلال می کنند: وقتی "چهارمین ارتش قدرتمند جهان" را با اندکی بیش از صد تن کشته چنین در هم شکستیم، "تمدن" را به منطقه خلیج فارس بازگردانده ایم، کنترل "جهان متدین" را بر نفت تأمین کرده ایم (و فراموش نکنید که این کنترل سوخت و بنزین را در اروپا و آمریکا از آن تر خواهد کرد)، از "آزادی" دفاع کرده ایم و... چرانبایداز جنگ به عنوان وسیله ای برای حل بحرانهایی مشابه استفاده کنیم؟ ظاهر ادعای از این استدلال که جنگ راه حل بحرانهای و اختلافات بیشتر تراکم شده در جهان مانیت، از هر زمان دشوارتر شده است.

در استدلالات سیاستمداران "پیروز" و در روحیه عمومی که آنان به جوامع خود تلقین می کنند، آنچه که از محاسبه بیرون است تاوانی است که مردم "جنوب" پرداخته اند. در فرب و آمریکا کسی از ۱۵۰ هزار قربانی غیرنظامی عراقی (بر اساس آمارهای فیروز رسمی) سخن نمی گوید، کسی یکصد هزار سرباز عراقی به خاک افتاده و نزدیک به یک میلیون مجروح جنگی را به یاد نمی آورد. چرا؟ چون آنها "موسیاه" اند! ری، در اخبار جستجو و گریخته منتشره از کشتار ۱۵۰ هزار غیرنظامی، قتل عام یکصد هزار سرباز عراقی و مجروح شدن یک میلیون انسان سخن می رود و این هنوز همه فاجعه نیست، سخن بر سر نابودی یک کشور و فاجعه محیض زیست در یک منطقه بزرگ است، تلفات جنگ در یکصد و چند نفر کشته متدین خلاصه نمی شود.

این تاوانهای عظیم نشانگر آن است که حل بحرانهای از طریق نظامی تا چه اندازه پردرد و پرتاوان است و تا چه اندازه نطفه بحرانهای دیگر و خشونت های تازه تر را در خود دارد.

جنگ خلیج فارس بر خلاف ادعای فرب بار دیگر نشان داد که جنگ راه حل نیست، راه حل انسانی نیست، مشکلات جهان را می توان و باید بدون قتل عام انسانی ستم دیده و ویرانی سرزمین های آنان حل کرد. در این روزهای دشوار باید به این واقعیت بیش از پیش پایبند ماند و آبرو با صدای رساتری فریاد کرد.

جمهوری اسلامی و تحولات در

بحران خلیج فارس جمهوری اسلامی خواستار خروج نیروهای فربی از منطقه شد

به دنبال برقراری آتش پس در جنگ خلیج فارس رژیم جمهوری اسلامی خواستار خروج نیروهای فربی از منطقه گردید. در جلسه شورای عالی امنیت ملی که عصر روز ۵ شنبه ۹ اسفند به ریاست هاشمی رفسنجانی تشکیل گردید، سران رژیم از برقراری آتش پس، امکان بازگشت مردم کویت به خانه های خود و متوقف شدن خونریزی و ویرانی ابراز خرسندی کردند. شورای عالی امنیت ملی در این اجلاس تأکید کرد که: امنیت پایدار در منطقه خلیج فارس، همانطور که در بند

تهاجم زمینی آمریکا و هم پیمانانش به عراق برای بازپس گرفتن کویت، با شکست عراق به جنگ خلیج فارس پایان داد. آمریکا و متحدانش با تمرکز بی سابقه آتش بر نیروهای عراق در جنوب این کشور و در کویت، این نیروها را منهدم و یا وادار به تسلیم کردند. تا هنگام تنظیم این گزارش، ۱۳۰ هزار نظامی عراقی به اسارت آمریکا و هم پیمانانش درآمده بودند. گفته می شود در جنگ خلیج فارس صدهزار تن از افراد نیروهای مسلح عراق کشته شده اند. شمار قربانیان

غیرنظامی در میان مردم عراق از سوی سازمان "پزشکان علیه جنگ هسته ای" صد و پنجاه هزار تن کشته و یک میلیون نفر مجروح تخمین زده می شود. آمریکایی ها می گویند چهل لشکر ارتش و گارد ریاست جمهوری عراق را نابود کرده اند. بخش اعظم سلاح های سنگین ارتش عراق از بین رفته است. عراق عملاً دیگر نیروی هوایی ندارد. شهرهای عراق فاقد آب لوله کشی، برق و سایر خدمات شهری اند. صدها هزار تن از مردم عراق و کویت بی خانمان شده اند. هزینه زندگی در عراق نسبت به

پیش از جنگ ده برابر شده است. در عراق به شدت کمبود پزشک و پرستار وجود دارد. کویت ویران شده است. دود فلیظ ناشی از آتش سوزی تاسیسات نفتی، آسمان را سیاه کرده است. نیروهای زمینی آمریکا، انگلیس، فرانسه و متحدانشان با ایجاد یک دالان چند صد کیلومتری در داخل خاک عراق و کویت، راه عقب نشینی نیروهای عراقی داخل و پیرامون کویت را بستند و هواپیماها را بمباران و موشکباران جاده هایی که از بغداد به جنوب می رود، محاصره را تکمیل

جنگ خلیج فارس با شکست عراق خاتمه یافت

شمار قربانیان عراقی جنگ تا ۲۵۰ هزار کشته تخمین زده می شود

کردند. عراق استحکامات خود را در انتظار حمله از دریا، در سواحل کویت متمرکز کرده بود، اما حملات اصلی از طریق زمینی صورت گرفت. شش هفته بمباران شدید، روحیه و امکانات نیروهای عراقی را به شدت تضعیف کرده بود. برخی از اسرای عراقی می گویند از روزها قبل دستوری از فرماندهی ارتش عراق دریافت نکرده بودند. بسیاری از آنها با اتمام ذخایر غذایی شان، به شدت دچار گرسنگی بودند.

بقیه در صفحه ۳



سربازان عراقی پس از ۴۰ روز تحمل عظیم ترین بمباران هاتاریخ، خود را فوج فوج به سربازان چند ملیتی تسلیم کردند.

پیامدهای جنگ خلیج فارس

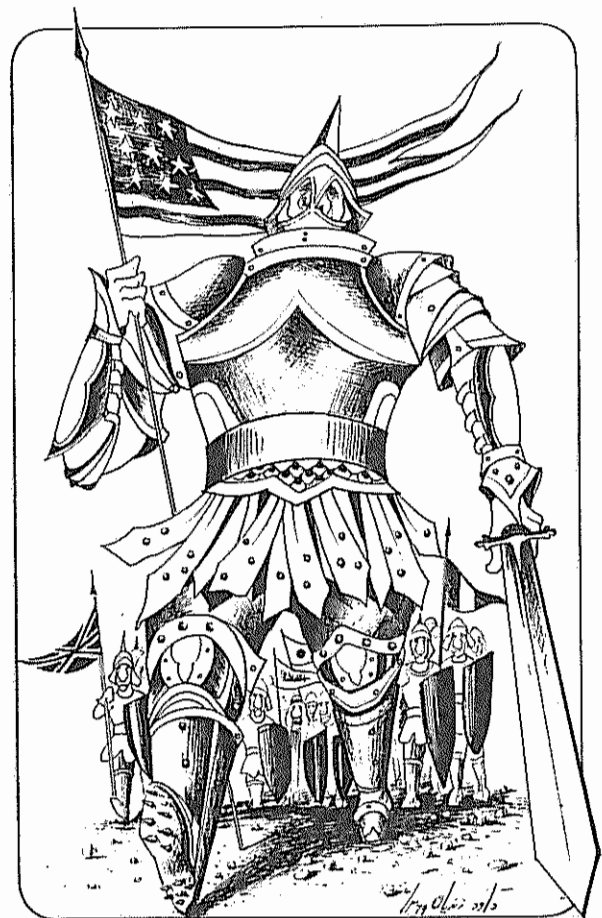
جنگ خلیج فارس با محزمت نیروهای عراقی از کویت و در هم شکستن ارتش این کشور به پایان رسید و اینک با اتکا به شکل پایان جنگ منطقه می رود که چهره دیگری به خود بگیرد. آمریکا بر آن است که نظم نوین جهانی خود را بر منطقه تحمیل کند و از این طریق سلطه جهانی خود را تحکیم بخشد. تحولی که اینک در منطقه پدید می آید، بسی ژرفتر از تحولات پس از جنگ های اعراب و اسرائیل در سالهای ۱۹۴۸، ۱۹۶۸ و ۱۹۷۳، انعقاد قرار داد کمپ دیوید بین مصر و اسرائیل در ۱۹۷۹ و بالاخره انقلاب ایران، ماجرای افغانستان و جنگ ایران و عراق است. این تحول دارای خصلت مستقیم بین المللی است و حکم

آئینه ای را دارد که در آن می توان به کل سیمای نظم جهانی در دوره پایان جنگ سردنگریست. پس از آغاز روند به پایان رسیدن قطعی دوره جنگ سرد این گونه بنظر می رسد که در کنار تقویت نقش نهادهای بین المللی بویژه سازمان ملل متحد، در تأثیر گذاری در تضادهای موجود در منطقه، عوامل منطقه ای در برابر عوامل بین المللی وزن بیشتری یابند. این گونه تحلیل ها به ویژه در ذهن تحلیل گران چپ مبتنی بر یک خوش خیالی ساده لوحانه نسبت به آینده جهان به دنبال کم رنگ تر شدن تضاد آمریکا و شوروی بود. حرینی از میدان به در رفته بود و می بایست انتظار داشت نیروی مستقیم بین المللی است و حکم

شهرهای مرزی کشور بر اثر دود سیاه در تاریکی فرو رفتند

مناطق جنوبی و غربی ایران به شدت تحت تأثیر صدمات وارده محیط زیست قرار گرفته اند. این صدمات که ناشی از وقوع جنگ در منطقه، سرریز میلیون ها تن نفت به خلیج فارس، به آتش کشیدن صدها چاه نفت در کویت و عراق و بالاخره بمباران های پیپای است، هفته گذشته ابعاد گسترده تری یافت. ریزش باران های سیاه، چرب و اسیدی در هفته گذشته در مناطق جنوبی و غربی کشور ادامه یافت. این باران ها منابع آب را به شدت آلوده ساخته اند و پیش بینی میشود که اثرات زیانبار آنان بتدریج آشکار شود. هم چنین به دنبال آتش زدن چاه های نفت کویت از سوی رژیم عراق، دود فلیظ و سیاهی سرتاسر منطقه را فراگرفت. آسمان بسیاری از شهرهای ایران بر اثر این دود سیاه شده گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، فظلت و شدت دود ناشی از

شعله ور شدن چاه های نفت به اندازه ای بود که مانع از رسیدن نور خورشید به زمین گردید و شهرها را در تاریکی فرو برد. به طوریکه در طول روز چراغ های خیابان ها روشن شد و اتوموبیل ها نیز مجبور شدند با چراغ های روشن رفت و آمد کنند. بنا به گزارش های رسیده، توده دود سیاه، در روز چهارشنبه گذشته تا شهر پل دختر نیز پیشروی کرد و این شهر را در تاریکی فرو برد. گزارشات حاکی از آن است که بغداد و حتی شهرهای ترکیه نیز از این دود در امان نمانده اند. هر چند هنوز تحقیقات جدی پیرامون زیان های ناشی از صدمات وارده به محیط زیست در منطقه خلیج فارس صورت نگرفته است، اما پیش بینی می شود که اثرات مخرب آن در تخریب محیط زیست و سلامت انسان ها بتدریج آشکار شود.



در این شماره

بیستمین سالروز تولد جنبش فدائیان صتمه ۴

نگاهی تازه به اقتصاد و سیاست در ایران صتمه ۸

درباره کار پایه تشکیلاتی

صتمه ۵

«بته از منجه اول جمهوری اسلامی و تحولات در بحران خلیج فارس»

دست یابند، شورای عالی امنیت ملی، تمامیت ارضی کشور عراق و حق تعیین سرنوشت و حکومت این کشور توسط خود مردم عراق را مورد تأکید قرار داد.

پیش از این علی اکبر ولایتی در نخستین واکنش رژیم به برقراری آتش پس مواضع فوق را تصریح نموده بود. وی که در جمع طلاب حوزه علمیه مشهد و گروه دیگری سخنرانی می کرد، گفت علت بحران منطقه خلیج فارس تنها حکومت عراق نبوده، بلکه نقطه بحران زمانی شکل گرفت که کویت و برخی دیگر از کشورهای منطقه عراق را در تاجم به ایران تقویت کردند. ولایتی از پیروزی نیروهای متحدین بر عراق ابراز تأسف کرده و گفت: رفع تجاوز رژیم عراق می بایست توسط کشورهای مسلمان منطقه صورت می گرفت و نه توسط کسانی که هیچ گاه در فکر منافع اسلام و مسلمانان نبوده و نیستند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، در راستای تلاش های حکومت تهران برای تدابیر امنیتی پس از جنگ، روز جمعه گذشته، کمال خرازی نماینده دائمی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد با خاویار پرز دو کوئیار دبیر کل سازمان ملل ملاقات کرد و پیام کتبی ولایتی را به او تسلیم کرد. در این پیام مواضع جمهوری اسلامی در زمینه امنیت منطقه خلیج فارس تشریح شده و از دبیر کل خواسته شده است، تلاش های خود در اجرای قطعنامه ۵۹۸ را تشدید کند. در پی این دیدار، کمال خرازی در مصاحبه با خبرنگاران گفت در دیدار با دبیر کل، آخرین تحولات منطقه را مورد بحث قرار داده است و از سوی رژیم تهران بر اجرای قطعنامه ۵۹۸ تأکید کرده است. خرازی افزود: به نظر جمهوری اسلامی نیروهای غربی باید بلافاصله پس از آتش بس به طور کامل از منطقه خارج شوند. وی در پاسخ به سوال خبرنگاران در مورد موضع ایران نسبت به بقای رژیم صدام حسین و احتمال تجاوز دیگری از سوی او گفت: ما معتقدیم این تنها مردم عراقند که می توانند در مورد آینده کشورشان تصمیم بگیرند.

نگرانی های جمهوری اسلامی حکومت آینده عراق و تحولات سیاسی در منطقه دو موضوع اساسی هستند که نگرانی جمهوری اسلامی را موجب شده اند. آلترناتیو مورد علاقه تهران در برابر رژیم فعلی عراق، قدرت یابی جریان های شیعه در این کشور است. رژیم اسلامی علیرغم ادعای خود در مورد حق مردم عراق برای تعیین سرنوشت خود، مجلس اهلای اسلامی عراق را که یک جریان کاملاً وابسته به آخوندهای جمهوری اسلامی است به طور همه جانبه ای مورد تأیید و پشتیبانی قرار داده است. رئیس این جریان طی اطلاعیه ای که روز چهارشنبه ۹ اسفند انتشار داد، از صدام حسین خواسته به منظور حفظ وحدت و استقلال عراق، ضمن استعفا، دولت و مراکز فرماندهی را به ملت عراق انتقال دهد. به گزارش واحد مرکزی خبر، وی ضمن محکوم کردن اقدامات آمریکا در خنثی کردن ابتکارات سیاسی برای پایان جنگ در خلیج فارس و هشدار به نیروهای چند ملیتی در باره اشغال خاک عراق، اعلام کرده که روی کار آوردن دولت دست نشانده نخواهد پذیرفت. رادیوی دولتی

نهران، در اخبار شب چهارشنبه خود، با قطع خبرهای مادی، این بیانیه رئیس مجلس اهلای شیعیان عراق را که مورد تأیید سران حکومت تهران می باشد، پخش کرد.

رژیم اسلامی تاکنون بارها مخالفت خود را با باقی ماندن نیروهای آمریکایی در منطقه و ایجاد سیستمی با حضور کشورهای متمایل به غرب اعلام کرده است. اما پیروزی آمریکا در جنگ، بیش از هر زمانی شرایط را برای برقراری چنین سیستم امنیتی آماده ساخته است. هر چند هنوز نمی توان به طور قطعی در مورد آینده سیاسی منطقه اظهار نظر کرد، اما می توان گفت که شرایط به سود جمهوری اسلامی پیش نمی رود. آمریکا و متحدین منطقه ای او هر چند در صدد نیستند جمهوری اسلامی را از ساختار امنیتی آینده منطقه کنار بگذارند، اما قطعاً با سپردن یک نقش درجه اول و مؤثر و نیک با آن مخالفت خواهند کرد. در حالیکه جمهوری اسلامی هم به دلیل موقعیت حساس کشور بزرگی چون ایران و هم به دلیل اهداف توسعه طلبانه خود، خواهان نقشی برتر و رهبری کنده در منطقه است. در تحولات آتی منطقه باید شاهد جنگ سیاسی - دیپلماتیک و کشاکش های آشکار و پنهان بین جمهوری اسلامی و آمریکا و متحدین محلی اش بر سر این موضوع بود. دشواری کار به ویژه برای دولت رفسنجانی در آنجا خواهد بود که چگونه این جنگ سیاسی - دیپلماتیک را - آن هم با حضور تدریجی ضد آمریکایی حکومت - با هدف استراتژیک نزدیکی به آمریکا منطبق سازد.

ملک نهد پادشاه هریستان در دیداری با ولیعهد کویت (۲۶ تیر) اعلام کرد که هریستان سعودی آماده است روابط خود با جمهوری اسلامی را بر پایه های «خوب و مسالمت آمیز» قرار دهد. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ملک نهد در این دیدار گفت: در زمانی که میان ایران و عراق اختلاف وجود داشت موضع کویت و هریستان علیه ایران نبود. وی گفت:

ما کاملاً درک می کردیم که عراق به هیچ وجه توانایی پیروزی بر ایران را ندارد، اما هدف ما باقی عراق بود. پادشاه هریستان افزود: کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس علیه ایران موضع گیری نکردند و کشورهای عضو این شورا همواره به طور جدی روابط کشورهای خلیج فارس با ایران را مورد بررسی قرار میدادند. ملک نهد خاطر نشان ساخت: ما خواهان روابط خوب و مسالمت آمیز با ایران هستیم و اگر فرصتی به دست آمد و مشکلی که صدام حسین به وجود آورده به پایان رسد، باید یک نوع همزیستی با ایران برقرار گردد.

این سخنان پادشاه هریستان را نباید تنها اقدام مجددی بر تلاش های از پیش آغاز شده دو رژیم برای از سرگیری روابط دو جانبه تلقی کرد. این سخنان نخستین نشانه از موضع کشورهای «پیروز» در مورد نقشی است که آنها در آینده برای جمهوری اسلامی قایلند. نقشی که با توجه به موقعیت استراتژیک ایران مبتنی بر روابط خوب و مسالمت آمیز و همزیستی با ایران

باشد، اما بر سر سهم جمهوری اسلامی در ساختار امنیتی و سیاسی آینده منطقه و چگونگی این ساختار اختلاف جدی بین رژیم تهران و کشورهای عربی شرکت کننده در ائتلاف که بر خوردار از پشتیبانی آمریکا هستند، وجود دارد.

اعلام آمادگی برای خاموش کردن چاه های نفت. جمهوری اسلامی علاوه بر اعلام آمادگی برای کمک های غذایی و دارویی به مردم عراق، آمادگی خود برای خاموش کردن چاه های نفت عراق و کویت را نیز اعلام کرد. غلامرضا آقا زاده وزیر نفت، با فرستادن نامه هایی به وزرای نفت عراق و کویت ضمن اعلام این مطلب خاطر نشان ساخت، با توجه به تجارب ارزشمند خود در مهار موثقت آمیز تعداد زیادی از چاه های نفت و گاز، جمهوری اسلامی آماده است در حداقل زمان با بکارگیری حداکثر توان خود چاه های سوزان این دو کشور را خاموش کند.

این ادعا در شرایطی طرح می شود که صدها چاه نفت در این دو کشور در حال سوختن است و بنا به نظر شرکت های متخصص اطفای آتش چاه های نفت، تنها خاموش ساختن کامل چاه های نفت کویت ممکن است حدود ۴ سال طول بکشد!

کمک های غذایی ایران به عراق. جمهوری اسلامی یکی از نخستین دولت هایی است که همزمان با پایان یافتن جنگ کمک های انسانی به مردم عراق را آغاز کرد. روز جمعه کمال خرازی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل طی نامه ای به دبیر کل، تصمیم رژیم تهران برای ارسال اولین محموله کمک های غذایی ایران به مردم عراق را به اطلاع وی رساند. این تصمیم متعاقب اعلام موافقت کمیته تحریم شورای امنیت با ارسال مواد غذایی از سوی ایران به مردم عراق اتخاذ شده است. در نامه سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل خاطر نشان شده است محموله حاوی کمک های ایران با هماهنگی صلیب سرخ جهانی فرستاده می شود و با نظارت صلیب سرخ ایران توزیع خواهد شد.

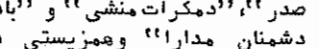
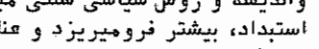
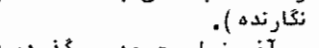
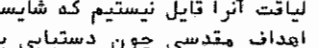
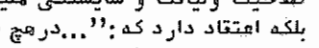
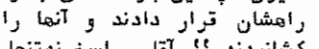
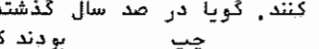
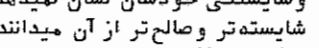
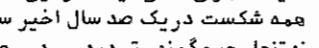
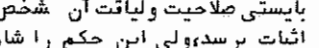
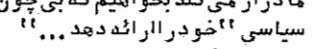
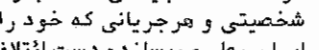
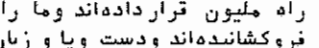
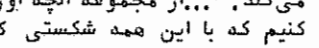
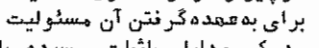
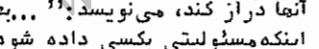
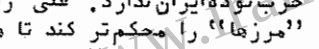
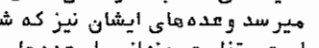
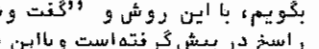
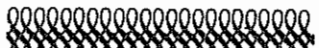
مطابق گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در روز چهارشنبه، نخستین محموله کمک های غذایی و انسانی ایران شامل دارو، شیر خشک، مواد غذایی و میوه، با ۴ کامیون به عراق ارسال شد.

سرنوشت هواپیماها چه خواهد شد؟ یکی از مشکلات پس از جنگ هواپیماهای عراقی انتقال یافته به ایران است. جمهوری اسلامی قبلاً اعلام کرده بود که هواپیماها را تا پایان جنگ در ایران نگاه خواهد داشت. اکنون با پایان جنگ و قطعیت یافتن آتش پس زمان تحویل آنها نیز نزدیک شده است، اما به نظر نمی رسد حکومت تهران قصد داشته باشد این هواپیماها را به کشور همسایه که شیرازه آن از هم گسیخته است، باز پس بدهد. تلاش آمریکا و متحدینش برای ادامه تحریم نظامی عراق، به جمهوری اسلامی برای «مصادره» این هواپیماها یا بخش اعظم آن به عنوان قرامت جنگی کمک خواهد کرد.

هنوز روشن نیست موضع آمریکا نسبت به سرنوشت این هواپیماها چه خواهد بود. نه

آمریکا و نه کشورهای منطقه از مصادره این تعداد هواپیما که در میان آنها هواپیماهای بسیار پیشرفته نظامی نیز وجود دارد، - توسط جمهوری اسلامی راضی نخواهند بود. در مورد تعداد این هواپیماها نیز اختلاف نظر جدی وجود دارد.

روز دوشنبه ۶ اسفند سخنگوی وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد که ۲ فروند دیگر هواپیماهای عراقی به ایران گریخته اند. اما تهران از تأیید این خبر خودداری کرد. منابع آمریکایی مجموع هواپیماهای عراقی موجود در ایران را ۱۵۱ فروند می دانند، اما حکومت تهران ورود حدود ۲۵ هواپیما به ایران را تأیید کرده است.



«فراخوان کمیسیون بررسی

همکر در هبری گذشته سازمان

بررسی سیاست و عملکرد رهبری گذشته سازمان در دهه اخیر، یکی از مسائل مهم تأکید شده در نخستین کنگره سازمان بود. بر خورد دقیق و جدی با عملکرد رهبری گذشته سازمان، و وظیفه ای است که به مجموعه سازمان، بویژه کادرها و فعالان فدایی مربوط می شود. جمع بندی و نتیجه گیری هر چه دقیق تر از عملکرد گذشته می تواند خطر تکرار اشتباهات گذشته را کمتر ساخته و راه آینده را روشنتر کند. از این رو نخستین کنگره سازمان در قطعنامه «بررسی اجمالی خطاها...» بر لزوم تشکیل کمیسیونی جهت بررسی دقیق تر عملکرد رهبری گذشته و ارائه گزارش به کنگره دوم سازمان تأکید نمود.

کمیسیون بررسی عملکرد گذشته منتخب شورای مرکزی که در همین رابطه تشکیل یافته است در نخستین جلسه خود بتاريخ ۹۱/۱/۱۱ از جمله فراخوان زیر را تصویب نمود که بدینوسیله با اطلاع رفقای می رسد:

«به منظور پیشرفت کار در جهت تدوین گزارش برای کنگره آتی، کمیسیون از تمامی رفقا در داخل و خارج دعوت می نماید که فعالانه با همکاری نمایند و هر گونه نظر، ارزیابی، قضاوت یا سندی در رابطه با عملکرد کمیته مرکزی سابق، شعب و مسئولین درجه اول و کادرهای موثر سازمان دارند، در اختیار کمیسیون یا شورای مرکزی قرار دهند. انتظار و درخواست ما اینست که برخورد رفقا با روح واقع بینی، انصاف و وجدان علمی همراه باشد، بی آنکه مصلحت گرایی یا مصلحت طلبی یا مسامحه در برخورد با اشتباهات و خطاها شود. مسلماً برخورد فعال رفقای توانمند کمیسیون را از دقت بیشتری برخوردار سازد.»

با درودهای فراوان کمیسیون بررسی عملکرد رهبری گذشته سازمان ۹۰/۱۱/۳۰

بادوستان مروت با دشمنان مدارا

تبریز، علی، عبدالرحیم پور

هر روز که میگذرد روشن تر میشود که نسبت دادن همه چیزهای خوب بخود و همه چیزهای بد به دیگران، ایجاد خط و مرزهای لایتنفیر و فیره قابل عبور میان خود با دیگر نیروهای آزادی خواه کشور و به انحصار در آوردن حقیقت، مادر استبداد و از بزرگترین آفت های درون جامعه و نیروهای سیاسی کشور است که آسیب فراوانی نصیب همه ما کرده است. جامعه ما نیازمند این است که همه ما، ارزش های فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خود را از بیخ و بن مورد سؤال و ارزیابی انتقادی قرار دهیم، مرزها و خط های متعلق به گذشته را تغییر دهیم، ارزش های کهنه را کنار بگذاریم و تجارب ارزش های مثبت ملت ایران و دیگر ملل را به عاملی جهت رشد روند دگرگونی شدن و معاصر شدن فرهنگ و اندیشه سیاسی جامعه مان بدل سازیم. زمان آن رسیده است که نیروهای طرفدار آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی، در یک تلاش مشترک و همگانی، همه این تجارب و ارزش ها را به امری در راه رشد و تقویت ارزش های نظیر آزادی، سکولاریسم، پلورالیسم، دموکراسی، عدالت اجتماعی و جهت تضعیف پایه های استبداد، برکناری رژیم استبدادی - مذهبی و استقرار حاکمیت مبتنی بر قانون، آزادی، سکولاریسم، دموکراسی، پلورالیسم، پیشرفت و عدالت اجتماعی بدل سازیم. این را دیگر هیچ فرد اندیشمند معاصر و جدی از مانمی پذیرد که بخشی از آرزوهایان و عدالتجویان کشور و حتی برخی از نیروهای سیاسی که امروز آرزوهایان و عدالتجو نیستند، در هیچ شرطی از شرایط ایران «صلاحت و لیاقت و شایستگی ائتلاف با ما را برای دستیابی به اهداف آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی نداشته باشد. چنین فکر و تصمیمی درباره بخشی از نیروهای سیاسی کشور از امروز برای «هر شرطی از شرایط ایران» قطعاً تصمیم و فکر جزئی و بی آینده است. این فکر و تصمیم نمی تواند دیگر نیروهای سیاسی را طرد و حذف نکند و مانع بزرگی است در برابر رشد و شکوفایی فرهنگ و اندیشه و روش سیاسی - دموکراتیک و پلورالیستی در میان نیروهای سیاسی کشور و اما اگر صلاحیت، لیاقت و کاردانی جریانات و شخصیت های سیاسی منبای سپردن مسئولیت به آنها و منبای ائتلاف در راه آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی است، اجازه می خواهم یکبار بطور دقیق مروری بر همان شناسنامه مختصری که آقای راسخ ارائه کرده اند، داشته باشیم. و باز هم برای اینکه سوختنهای پیش نیاید ناچارم بخش بزرگی از نوشته آقای راسخ را در همین جا درج کنم. ایشان در مقاله «توطئه ائتلاف»، از چندین ائتلاف «قطر» و «انحرافی» و «شوم» اسم می برند که اکثراً توسط نیروهای موسوم به ملیون تشکیل شده است. وی می نویسد: «در صدر مشروطیت اولین ائتلاف انحرافی میان نیروهای ملی از سویی و نیروهای ایلیاتی نصرالدوله سپهدار تنگابنی از شمال

ولی حقیقتاً باید بگویم، با این روش و «گفت و شنودی» که آقای راسخ در پیش گرفته است و با این صلاحیت و لیاقت و شایستگی که به خودشان قائل شده است، بنظر میرسد وعده های ایشان نیز که شیرین نوشته شده است، تفاوت چندانی با وعده های شیرین مرامنامه حزب توده ایران ندارد. هلی راسخ برای اینکه «مرزها» را محکم تر کند تا هر سازمانی مثل «چریک های اکثریت» نتواند دست ائتلاف بسوی آنها دراز کند، می نویسد: «... عبارات دیگر برای اینکه مسئولیتی بکسی داده شود یا بکسی پیش از هر چیز و در مرحله اول صلاحیت و لیاقت آن شخص برای به عهده گرفتن آن مسئولیت در طول زمان و مددک و دلیل باثبات رسیده باشد» وی اضافه می کند: «... از مجموعه آنچه آوردیم نتیجه گیری کنیم که با این همه شکستی که در این صدسال خورده ایم و با این همه دامی که بعنوان ائتلاف بر سر راه ملیون قرار داده اند و ما را در درون خود فروکشانیده اند و دست و پا و زبان بریده رهایمان کرده اند، حالا بایستی کاملاً بعوض باشیم و از هر شخصیتی و هر جریانی که خود را در صحنه سیاسی ایران مطرح میسازد و دست ائتلاف و همکاری بسوی ما دراز می کند بخواهیم که بی چون و چرا «شناسنامه سیاسی» خود را ارائه دهد...»

او میگوید برای سپردن مسئولیت به کسی، بایستی صلاحیت و لیاقت آن شخص با مددک و دلیل به اثبات برسد، ولی این حکم را شامل حال خودشان نمیدانند. وی ضمن اینکه از این همه ائتلاف و از این همه شکست در یک صد سال اخیر سخن می گوید ولی نه تنها هیچگونه تردیدی در صلاحیت و لیاقت و شایستگی خودشان نشان نمیدهد بلکه خودشان را شایسته تر و صالح تر از آن میدانند که با چریک های اکثریت و «حزب دموکراتیک مردم ایران» ائتلاف کنند. گویا در صد سال گذشته، این نیروهای چپ بودند که بایعوض کردن ملیون، چندین بار «دامی بعنوان ائتلاف» بر سر راهشان قرار دادند و آنها را «در خود فرو کشاندند». آقای راسخ نه تنها هیچ تردیدی در صلاحیت و لیاقت و شایستگی ملیون نشان نمیدهد بلکه اعتقاد دارد که: «... در هیچ شرطی از شرایط ایران برای شما (چپ و راست ایران) صلاحیت و لیاقت آنرا قایل نیستیم که شایستگی ائتلاف برای اهداف مقدسی چون دستیابی به آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی با ما داشته باشید» (تأکید از نگارنده).

آخر زمان هر چه می گذرد، دیوارهای فرهنگ و اندیشه و روش سیاسی سنتی مبتنی بر خشونت و استبداد، بیشتر فرو میریزد و عناصر و ارزش های فرهنگی و اخلاقی نظیر «سعه صدر»، «دمکرات منشی» و «بادوستان مروت با دشمنان مدارا» و همزیستی دموکراتیک جلی بیشتری می یابد و شکوفا میشود.

❖ بقیه از صفحه اول پیامدهای جنگ خلیج فارس

مقابل یک‌ه‌تاز شود و چنین نیز شد، تقریباً با خروج ذلت‌بار عراق از کویت و طنین افکندن مارش پیروزی در واشنگتن سند انحلال پیمان ورشو به امضای وزرای دفاع کشورهای عضو این پیمان رسید. این همزمانی اگر چه اتفاقی بود، اما در خود معنای همیتی دارد. آنچه که در منطقه رخ می‌دهد به طور مستقیم ناشی از آرایش قوا در سطح جهانی است و ناشی از این است که آمریکا تلاش می‌کند نظم تک قطبی مبتی بر نقش پذیرفته شده رهبری این کشور را تثبیت کند. "پیروزی" راه حل نظامی رفع بحران اشغال کویت امرمی نیرومند در اختیار آمریکا قرار داد. البته آمریکا قادر نیست هر چه که می‌خواهد به منطقه دیکته کند. منطقه خود دارای هویت است و از طرف دیگر آمریکا اگر چه در منطقه جهانی نیروی هژمون است، اما بی‌رقیب نیست. شوروی همچنان یک پای تحولات منطقه است. دست کم این است که اروپا و برخی کشورهای منطقه که نمی‌خواهند آمریکا نیروی بلامنازع و یک‌ه‌تاز باشد، می‌کوشند شوروی به نوعی

ماجرای کویت برای اسرائیل یک هدیه آسمانی بود. جهان غرب در اسرائیل پاره‌ای از وجود خود را می‌بیند و بیش از هر هنگام دیگری دلش برای دولت صهیونیست می‌تپد. در دهه هشتاد این گرایش در استراتژی جهان غرب نسبت به منطقه خاورمیانه تقویت شد که باید بین رابطه غرب با اسرائیل و رابطه غرب با جهان عرب یک تعادل نسبی پدیدآید، هم مدافع اسرائیل بود و هم جهان عرب را با دادن امتیازاتی به سوی خود جلب کرد. این گرایش اکنون کم رنگ تر

می‌شود، استراتژی سنتی اولویت دادن به رابطه با اسرائیل و منافع اسرائیل اهمیت گذشته خود را باز می‌یابد.

جهان عرب وضعیت هم انگیزی دارد. اعراب متفرق‌تر و سرخورده تر از همیشه‌اند. غالب رژیم‌های عرب اکنون آینده خود را در گرو تمکین به آمریکا می‌بینند. زیر پایشان بیش از هر هنگام دیگری خالی شده‌است و درآمده‌اند که اکنون در چه شیپوری بدمند: در شیپور اسلام؟ اسلام پناهی و امیریکا پناهی‌شان را چگونه می‌توانند با یکدیگر پیوند دهند؟ چه بر سر شعارهای پیشینشان آوردند؟ رابطه‌شان را با یکدیگر چگونه تنظیم کنند؟ با توده‌های عرب و خواسته‌یشان چگونه مقابله کنند؟ شواهد نیز چندان دلالت بر ابراز تفاهم امریکا و درک نیاز رژیم‌های عربی ندارد. رژیم‌های عربی که خود را در کنار آمریکا قرار داده‌اند بشدت نیازمندند که با کسب امتیازاتی، اتکا خود به آمریکا یا همدستی با آن را مفید جلوه دهند. فلسطینیان قربانی مستقیم

و شناسنامه آنها است نه مرام‌ها، برنامه‌ها و شعارهایشان، چگونه میشود چندین بار به دام شاه و خان و شیخ افتاد و باز هم خود را صالح‌تر، لایق‌تر و شایسته‌تر از دیگر آزادیخواهان و عدالت‌جویان قلمداد کرد و اعلام کرد: "... در هیچ شرطی از شرایط ایران، برای شما صلاحیت و لیاقت آن را قائل نیستیم که شایستگی ائتلاف برای اهداف مقدسی چون آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی را با ما قائل نیستیم".

فکر می‌کنم ملت ایران بعد از گذر از درون صد سال مبارزه و تلاش برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، بعد از تحمل این همه شکست بعد از شنیدن مکرر مرام‌ها و برنامه‌ها و شعارهای سیاسی همه احزاب، سازمان‌ها و جبهه‌ها و مشاهده کردن کردار و هنر همه آنها در نیم قرن گذشته، بویژه بعد از مشاهده کردن هنر همه مانیروهای سیاسی کشور در آخرین انقلاب و ائتلاف، به اندازه کافی نسبت به خط و مرزها و هویت‌های گذشته بی‌اعتماد شده و به اندازه کافی دچار سرگیجه و افشاش هستند. نیروهای سیاسی کشور ما، دیگر نمی‌توانند با حفظ همان خط و مرز و هویت‌های سابق، اعتماد ملت ایران را برای نوسازی و آزادی جامعه جلب کنند و به این وضعیت پایان دهند. دیگر قبا اطلس‌ما را، نمی‌خرند یاران. چرا که هاری از هنر نبود. بقول حافظ "قلندران حقیقت به نیم جو نخرند قبا اطلس آنکس که از هنر عاری است".

جامعه ما نیازمند نو شدن و دموکراتیزه شدن است، نیازمند این است که ارزش‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خود را از بیخ و بن مورد سؤال و ارزیابی انتقادی قرار دهد. تلاش برای حفظ همان خط و مرزها و هویت‌های گذشته، در برابر این نیازها است. هنر ما در بلند نگه داشتن دیوارها نیست. هنر ما در این است که بتوانیم میان نیروهای سیاسی گوناگون، متفاوت و حتی متضاد کشور، مناسبات و روشی مبتنی بر آزادی، مدارا، دموکراسی و پلورالیسم برقرار کنیم. هنر ما در این است که بتوانیم میان آزادیخواهان و عدالت‌جویان کشور، در راه آزادی و دموکراسی و عدالت، جهت تضعیف پایه‌های استبداد و برکناری رژیم استبدادی-مذهبی و برقراری جمهوری مبتنی بر آزادی، سکولاریسم، پلورالیسم، دموکراسی، پیشرفت و رفاه و عدالت اجتماعی نزدیکی و اتحاد دموکراتیک بوجود بیاوریم. بگوئیم به این هنر تجهیز شویم.

جامعه ما بیش از هر زمان دیگر به نزدیکی دوستی و اتحاد آزادیخواهان و عدالت‌جویان نیازمند است. بگوئیم دوست و متحد یکدیگر، در راه نوسازی و دموکراتیزه کردن جامعه، علیه ظلم و استبداد حاکم باشیم.

❖ بقیه از صفحه ۷ حزب کمونیست (کومله): گذار از فکر مبارزه

می‌پذیرد. مبارزه پارتیزانی کارگران این نیرو و تاثیر می‌پذیرد. مبارزه پارتیزانی کارگران سوسیالیست نمی‌تواند از همان قوانین و خصوصیات تبعیت کند که جنگ چریکی دانشجویان و روشنفکران و یا جنبش‌های ارضی روستائیان... کومله با لشکر کشی جمهوری اسلامی به کردستان بدون تبیین مستقل خود از مشخصات

و نیروهای بحتیاری به سرکردگی سردار اسعد از جنوب به وقوع پیوست که به... به دیکتاتوری ناصرالملک انجامید. و این همه همراه بود با کنار گذاشتن ستارخان و باقرخان و دیگر مجاهدان از صحنه سیاسی بدانگونه که مجاهدین... کارشان به گدایی کشید و در نهایت درماندگی و فقر نابود شدند...

... ائتلاف فلت‌بعدی میان رضاخان سردار سپه و قزاقان از سویی و بخش بزرگی از ملیون انجام گرفت... ائتلاف بعدی در مبارزه ملی شدن نفت میان دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی بود که از سنت مشروطیت نشأت می‌گرفت... در ایران ملیون تنها با اقتدار استبداد مطلق سلطنتی در نظام کمن به مبارزه برخاستند. اینان نه فقط با بخش دیگر اقتدار در نظام کمن که در آن هنگام در نهاد اجامت و فقاقت روحانیت تبلور یافته بود درنیفتادند، بلکه... با بخش بزرگی از روحانیون ائتلاف کردند... بر این نسق بود که بار دیگر در جریان مبارزات ملی شدن نفت، ائتلاف میان ملیون و بخش بزرگی از روحانیت انجام گرفت. اما طولی نکشید که همین آیت‌الله کاشانی مؤلف مصدق او را تکفیر کرد و... و با شاه و زاهدی ائتلاف کرد...

... ائتلاف بعدی که بایستی آن را شوم‌ترین ائتلافی یکصد سال تاریخ اخیر ایران دانست، ائتلاف بخشهای گوناگون ضد محمد رضا شاه با آیت‌الله خمینی بود. از ملیون تا توده‌های ما، از نهضت آزادی و بنی‌صدر و قطب‌زاده تا چریک‌های فدایی و مجاهدین، همه و همه... "اینکه آقای هلی راسخ، شجاعت و صداقت نشان داده‌اند و این ائتلافی فلت و انحرافی و شوم را که همدتا توسط ملیون بعمل آمده است، اعلام کرده‌اند از رزمند و قابل قدر دانی است. ولی اگر فقط همین فاکت‌های ارائه شده، مورد بررسی و تفاوت قرار گیرند و اگر این استدلال آقای راسخ درست مورد پذیرش قرار گیرد که نیروهای موسوم به ملیون چندین بار به "دامی به عنوان ائتلاف" افتاده‌اند و "در خود فرو کشانیده شده‌اند"، حتی برای هر آدم بانکر و بیطرفی سؤالات عیدیه‌ای مطرح میشود. اینکه، این نیروی سیاسی و این رهبران لایق و شایسته و صالح ما، چرا این همه به دام می‌افتند و در خود فرو کشانیده میشوند؟! ایراد کارشان کجاست؟ دوم اینکه اگر قرار است رهبران و احزاب و سازمان‌های سیاسی کشور ما نیز، مثل مردم کوچه و بازار، مرتب و یکی پس از دیگری فریب بخورند و مدام به دام بیافتند و در خود کشانیده شوند، پس صلاحیت و لیاقت و کاردانی آنها در چیست و کجاست؟ و اگر اعمال سیاسی هر جریان سیاسی و هر رهبر، اصلی‌ترین کارنامه

گرفت. آقای منصور حکمت در مصاحبه‌ای در توضیح تصمیم چنین می‌گوید: مبارزه نظامی هم از پارتیزانی و غیره یک قلمرو در خود نیست، بلکه امتداد مبارزه سیاسی و اجتماعی نیرویی است که دست به اسلحه برده است و مستقیماً از کاراکتر و خصلت اجتماعی این نیرو تاثیر

جنگند. اکنون بویژه در اروپا رزمه بلند است که باید برای آرام کردن منطقه مسئله فلسطین را حل کرد. بعید نیست که روایت تازه‌ای از طرح بیکر در دو سال پیش ارائه شود. هم اکنون تلاش‌هایی در جریان است تا سازمان آزادیبخش فلسطین در عمل کنار زده شود و نماینده دیگری برای فلسطینیان تعیین شود. مساله فلسطین حل نخواهد شد. مساله برای کاستن از وزن این مساله در مناسبات منطقه تلاش‌هایی صورت خواهد گرفت. رژیم صدام حسین بی‌آینده‌است. در روز اول مارس روزنامه لوموند شایع کرد که صدام حسین برکنار شده و در صدد پناه‌جویی در الجزایر است. "لانس" کرد این گونه خبرها اکنون بعد روانی جنگ با عراق را تشکیل می‌دهد.

رژیم بعثی عراق ممکن است چهره دیگری را به جلوی صحنه بفرستد و حتی بعید نیست مذاکراتی که گفته می‌شود بین بعثی‌ها و گروه‌های اسلامی در عراق جریان دارد بشمر برسد و یک جمهوری اسلامی بعثی در بغداد به پا شود. در بغداد هنوز همه چیز

پیشروی نیروهای زمینی آمریکا و هم‌پیمانانش با چنان سرعتی صورت گرفت که عراق در ساعات اول جنگ، مرحله به مرحله از مواضع و شرایط خود برای تسلیم، عقب‌نشست، نخست اعلام شد که صدام حسین دستور عقب‌نشینی از کویت را داده است. سپس عراق قطعنامه‌های مربوط به حرمت و لفق همیشگی الحاق کویت را پذیرفت. و وقتی جنگ به محق خاک عراق کشیده شد و آمریکا برای قطع جنگ شرط پذیرش همه قطعنامه‌های شورای امنیت از سوی عراق را قرار داد، طارق هیز در یک نامه کوتاه به سازمان ملل اطلاع داد که عراق همه ۱۴ قطعنامه مربوط به کویت را می‌پذیرد. بالاخره، در شامگاه چهارشنبه ۸ اسفند به وقت واشنگتن، جرج بوش طی یک نطق تلویزیونی اعلام کرد با دستیابی به هدف تصرف کویت و درهم شکستن قدرت نظامی عراق، آمریکا و متحدانش تحت شرایطی آتش‌بس برقرار خواهند کرد. سه ساعت پس از آمریکا، عراق نیز به نیروهایش دستور قطع عملیات جنگی را داد.

روز شنبه ۱۱ اسفند، مذاکرات افسران عالی‌رتبه آمریکایی، انگلیسی و فرانسوی با فرماندهان عراقی برای توافق روی نحوه اجرای آتش‌بس، آغاز شد. مذاکرات در سازمان ملل برای سازماندهی آتش‌بس نیز آغاز گردید.

در روز جمعه ۱۵ اسفند جنگی که به آن دست می‌برد و بر مبنای سنت ناسیونالیستی موجود مبارزه مسلحانه در کردستان (پیشمرگایتی) آرایش نظامی به خود گرفت. سنت‌های تا آن زمان موجود مبارزه مسلحانه در کردستان اساساً حاصل مبارزه مسلحانه احزاب بورژوازی در کردستان ایران و عراق بود. یعنی سنت ناسیونالیستی مبارزه مسلحانه در کردستان. در مورد کومله حتی به طور مشخص‌تر می‌شود الگو قرار گرفتن سبک کار نظامی اتحادیه میهنی را مشاهده کرد.

وی سپس در ادامه مقاله در توضیح مواضع جدید این سازمان می‌نویسد: "نفس‌اینکه" "کمرنگ شدن" مبارزه مسلحانه در دیدگاه کسی یک اتهام و یک گناه کبیره محسوب می‌شود یکی از جلوه‌های کیش مبارزه مسلحانه است. خطکش مبارزه‌جویی در سنت ناسیونالیستی در کردستان، که هم‌ا‌به پیشمرگایتی منحصر شده،

ممکن است به جز روی کار آمدن یک حکومت دموکرات یا لیبرال.

جنگ خلیج رابطه رژیم تهران با غرب را تقویت کرد. اکنون با حسن نظر به تهران نگریسته می‌شود اما نه تا آن حد که ایران بتواند خود را به عنوان قدرت شماره یک در خلیج فارس جلوه دهد. به ایران تا آن حدی امتیاز داده خواهد شد که نظم موجود را بپذیرد و در آن کارکردهایی داشته باشد از جمله به صورت عامل کنترل برآمد جنبش کردی در عراق در همدستی با ترکیه، بنا بر خصوصیات جمهوری اسلامی، غرب به این رژیم همواره با سوظن و به عنوان یک خطر بالقوه خواهد نگریست. این امر بر زمینه عملکرد دو عامل زیر تشدید می‌شود: رشد هم‌می‌بینادگرایی اسلامی در سال‌های اخیر در کشورهای اسلامی که از جمله خصایص آن، ضدآمریکایی و ضد اسرائیلی بودن آن است و دوم پس از شکست عراق در جنگ، پیش‌بینی گسترش اقدامات و عملیات افراطی و تروریستی از جمله و بویژه توسط نیروهای بنیاد گرای اسلامی.

گزارش‌هایی دلیر برکناره‌گیری صدام حسین و تقاضای پناهندگی او از الجزایر، موریتانی یا شورای انتشار یافت. جرج بوش در کنفرانس مطبوعاتی روز شنبه خود این شایعات را نادرست خواند. سوریه و عربستان سعودی خواهان سرنگونی صدام حسین شده‌اند. در مقابل جمهوری اسلامی اعلام کرده است که مخالف دخالت خارجی در تعیین حکومت عراق است.

شرایطی که جرج بوش برای خاتمه جنگ و برقراری آتش‌بس قائل شد، عبارتند از آزادی همه اسرای غربی، کمک به زوددن مین‌ها در کویت و تعیین نمایندگان جهت مذاکره در مورد آتش‌بس. در بیانیه‌ای که طی آن رهبری عراق پذیرش آتش‌بس را اعلام کرد، آمده است سربازان عراقی با شجاعت در برابر نیروهای متفقین مقاومت کردند. در این بیانیه ادعا شده است "درس"هایی که نظامیان عراقی در نبردهای داخل خاک عراق به متفقین داده‌اند، باعث پذیرش آتش‌بس از سوی جرج بوش شده است. یک سخنگوی نظامی عراقی گفت نیروهای عراقی در یک جنگ تانک‌ها در نزدیکی بصره تلفات سنگینی به متفقین وارد آورده اتمام را وادار به عقب‌نشینی کرده‌اند.

در بغداد خبر برقراری آتش‌بس با استقبال مردم روبرو شد. بسیار

از سوی دیگر جناح غالب در جمهوری اسلامی با در پیش گرفتن سیاستی در مجموع درست و اصولی در قبال بحران

خلیج فارس و شکست مواضع جناح رقیب، در این زمینه پس از فروکش احساسات همدزدی با مردم عراق و ابراز تنفر نسبت به بمباران‌ها و آدم‌کشی‌های آمریکا در جنگ کنونی راحت‌تر در جهت رژیم و گسترش رابطه خود با غرب و آمریکا به خواهد آمد اما در این راه با مشکلاتی جدی نیز مواجه خواهد بود. که از مهمترین آنها تداوم حضور نیروهای آمریکایی در منطقه برای مدتی نه چندان کوتاه است.

جنگ خلیج فارس پایان رسید. پایان جنگ و کشتار باعث شغف است اما نحوه پایان آن و پیروزی منطق جنگ طلبی و حل نظامی منطقه‌ای، هواقب سنگینی برای منطقه‌ها و کل جهان خواهد داشت.

❖ بقیه از صفحه اول حنك خلیج فارس با شکست عراق خاتمه‌یافت

ی از ساکنان پایتخت عراق باشلیک تیر هوایی خوشحالی خود را از قطع جنگ اعلام کردند. آمریکا و متحدانش ادعا کرده‌اند که در تمام طول جنگ ۱۷۵ کشته داده‌اند. مقامات رسمی عراقی می‌گویند در ۲۶ روز اول جنگ حدود ۲۵ هزار عراقی کشته و ۶۰ هزار تن مجروح شده‌اند.

علیرغم برقراری آتش‌بس، درگیری‌های پراکنده میان نیروهای عراقی و متفقین ادامه یافت. ژنرال‌های آمریکایی می‌گویند هلت ادامه درگیری‌ها - نرسیدن دستور آتش‌بس به برخی واحدهای عراقی است.

الکساندر بسمرتیخ وزیر خارجه شوروی ضمن استقبال از احیای حاکمیت کویت گفت از این پس باید جلوی عملیات نظامی در خلیج فارس را گرفت. میخائیل گارباچف رئیس‌جمهور شوروی خواهان تشکیل اجلاس شورای امنیت سازمان ملل برای حل بحران خلیج فارس شد. به عقیده شوروی اعضای دائمی شورای امنیت باید درباره شرایط سیاسی و حقوقی آتش‌بس به مذاکره بپردازند و همه کشورهای عربی و اسرائیل باید به گفتگو درباره تامین صلح در منطقه بنشینند. وزیر خارجه شوروی اظهار داشت اکنون باید مسئله فلسطین هر چه زودتر حل شود.

درجه تقدیس جنبه نظامی مبارزه است و لذا اگر یک ناسیونالیست بخواهد در دم کسی یا سازمانی سنگ تمام بگذارد، همین اتهام دست کشیدن از مبارزه مسلحانه را! برویش پرتاب می‌کند... بحث مادرباره تحول نیروی نظامی کنونی کومه‌له به یک نیروی زنده و "کماندویی" بحثی مستقل از زمان و اوضاع و احوال نیست و قرار نیست این شکل از فعالیت نظامی به همه ابعاد و همه مراحل این مبارزه تعمیم پیدا کند. ما این بحث را در متن انتقاض‌هملی موجود و در امتداد تاریخچه معینی در مبارزه مسلحانه مطرح می‌کنیم. مساله بر سر انتخاب بین مبارزه مسلحانه توده‌ای و مبارزه مسلحانه واحدهای کماندوئی حزبی نیست. بلکه بر سر تشخیص شکل درست تداوم مبارزه مسلحانه در این مقطع معین و شرایط توده‌ای شدن مبارزه مسلحانه است. کسی نمی‌تواند به اراده خود مبارزه مسلحانه توده‌ای راه‌بیاندازد این مبارزه ملزومات سیاسی و اجتماعی معینی دارد".

بزرگداشت بیستمین سالروز تولد جنبش فدائیان خلق ایران در سوئد

...تاریک از آن روی که دیو افسار گسیخته جنگ و تباهی که از چراغ جادویی امپریالیسم جهانی برخاسته و با منافع اقتصادی و سیاسی آن گره خورده، بار دیگر منطقه مارا با بهره‌گیری از تجاوز صدام، در کام خود گرفتار کرده است.

اما چرخ تاریخ در گردش است. از پس هر تاریکی روشنائی است، چرا که تاریخ را نه حکومت گران که توده‌های مردم در مبارزه‌ای مداوم می‌سازند.

امروز این مبارزه باشکال گوناگون در میهن ماجاری است، گاه در اعتراضات دانشجویان و گاه در اعتصاب فرهنگیان و دیگر زحماتشان، در مبارزات خلقی میهن، در مقاومت و پایداری زنان میهن، در مبارزات خانواده‌های زندانیان سیاسی، در پایداری زندانیان سیاسی - در آگاهی و شور نسلی که پیش می‌آید و با تجربیات نسل گذشته می‌آمیزد. در بازبینی وسیعی که نیروهای انقلابی بر گذشته خود می‌کنند آنرا چراغ راه آینده سازند و در تلاشی که برای قلبه بر پراکندگی و ایجاد آلترناتیوی دمکراتیک در جریان است.

آری خلقی که تاریخ را می‌سازد، از فراز و فرودها در گذراست تا در تداوم خود صخره‌ها را در نورد و سرانجام آنچه زبینه و انسانی است بنانند.

اگر امروز مردم ما با چشمانی خونبار بر آنچه بر آنها رفته است مینگرند، فرداست که با لبانی شکفته آینده را در آغوش کشند و در چمنزار بزرگ زندگانی، سرود فتح و پیروزی را سر دهند.

جاودان باد یادواره همه مبارزان جنبش آزادیخواهانه دمکراتیک مردم ایران.

پیام مشترک ارگانهای کشوری سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت و سازمان فدایی ایران در سوئد.

مرکزی خبر سیل در شهر گچساران به بیش از ۱۰۰۰ خانوار آسیب رسانده است و در برخی مناطق سیل به خانه‌ها نفوذ کرده است. تعدادی از پلها و کانالهای شهر در جریان این حادثه ویران شد. روز جمعه ستاد سیل این شهرستان، اوضاع را عادی اعلام کرد. از میزان خسارات وارده هنوز اطلاعی در دست نیست.

بهای ارزهای خارجی هفته گذشته بهای دلار آمریکا در بازار آزاد تهران مجدداً به میزان یک تومان افزایش یافت، ولی نرخ سایر ارزها اندکی کاهش پیدا کرد. مطابق گزارشات دریافتی، دلار آمریکا ۱۴۳ تومان به فروش رسید. لیره استرلینگ ۲۷۵ تومان، مارک آلمان ۹۴ تومان و فرانک فرانسه حدود ۲۸ تومان معامله شد. بانک مرکزی دلار شناور را به قیمت ۱۳۷ تومان و یک ریال در اختیار متقاضیان واجد شرایط قرار داد.

فرورفتن به کام مرگ شیرین است همان بایسته آزادی این است

جنبش عظیم توده‌ها فرا رسید، جنبش فدائی نیز با امواج خروشان توده‌ها به پیش شتافت، دیکتاتوری شاهی به زیر کشیده شد ولی امیدو باور مردم رنجیده بیار ننشست. این بار ارتجاع فقهاتی سراز مدفن ترون و اعصار بدر آورد، حکومتی خونبار و اسپر بارنا نهاد و هزاران جان شفته آزادی را پرپر نمود، دهها تن از رهبران و فعالین فدائی نیز در میدان های تیر و شکنجه گاه های رژیم ج.ا.ا پای بندی به همدی که با خلق خود داشتند، به شهادت رسیدند. یاد آنها را گرامی می‌داریم. یاد رفقای را که در شب تاریک وطن، نگین صبح روشن را به روی پایه انگشت فرودا نشانده، بهار آزادی را بشارت دادند.

به گل گشت جوانان یاد ما را زنده دارید، ای رفیقان که ما در ظلمت شب، زیر بال وحشی خفاش خون آشام نشانده این نگین صبح روشن را

به روی پایه انگشت فرودا آری، نگین صبح روشن، به روی پایه انگشت فرودا، و فردا فرجامی که جزا طریق همگردد امروز راه یافتنی نیست.

و اما امروز که با دیروز در آمیخته، در تاریک روشن تاریخ بسوی آینده روان است. تاریک و روشن از آن روی که بسیاری از باورها و الگوهای روشن دیروزین در نزد بسیاری از نیروهای چپ و انقلابی فروریخته و ابعاد راهی که در پیش است، روشن نیست.

تاریک از آن روی که حکومتی خودکامه جنبش عظیم مردم را به شکستی سخت کشانید، بسیاری از آزادیخواهان را به شهادت رساند و یا مجبور به جلاي وطن نمود. رژیم که بنحوی ددمنشانه ابتدائی ترین حقوق انسانی - مذهبی را لگدمال می‌نماید. و حقوق زنان، اقلیت های ملی و مذهبی را لگدمال می‌نماید. و دیفا که پراکندگی نیروهای دمکراتیک نیز مرادی است مطلوب برای جنایتکاران حاکم...

ظرفیت اولیه این سیستم حداقل ۴۰ کانال در آستارا و ۲۴ کانال در جلفا خواهد بود. این سیستم از نوع آنالوگ و با استفاده از ماکروی آنالوگ برای آستارا، با ظرفیت نهایی ۳۰۰ کانال میباشد. برای جلفا سیستم یو.اچ.اف. با ظرفیت ۲۴ کانال، پیش بینی شده است. تجهیزات مورد نیاز این سیستم توسط شرکت مخابرات جمهوری اسلامی تامین خواهد شد و کار نصب آن در آذربایجان شوروی نیز توسط کارشناسان جمهوری اسلامی صورت خواهد گرفت.

سیل در گچساران

۵شنبه شب گذشته، به دنبال بارندگی های شدید، سیل مناطقی از استان کهگیلویه و بویراحمد را فرا گرفت. این سیل خساراتی به شهرهای گچساران و دهدشت وارد کرد. مطابق گزارش واحد

روز شنبه نم فوریه، مراسم بزرگداشت بیستمین سالروز جنبش فدائی، در شهر استکلم برگزار گردید.

در این مراسم بیش از دویست تن از اعضا و اداران دو سازمان، ایرانیان آزادیخواه، میهمانان داخلی و خارجی شرکت داشتند. در آغاز، در گرامیداشت یادواره همه مبارزان جنبش آزادیخواهانه، دمکراتیک و عدالتجویانه مردم ایران، اعلام یک دقیقه سکوت شد، سپس پیام مشترک ارگانهای کشوری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سازمان فدایی ایران (اکثریت) در سوئد که برگزار کنندگان این مراسم بودند، قرائت گردید.

جشن در فضائی صمیمی و پر شور با اجرای برنامه های هنری شامل رقص و آوازهای متنوع ایرانی، ترکی استانبولی، اجرای سرود بزرگسالان، سرود کودکان و بزرگسالان، سرودهای کودکان و دکلمه شعرهای پاسی از شب گذشته، ادامه یافت.

در زیر متن پیام مشترک مذکور را می‌خوانید: در آستانه بیستمین سالروز حماسه سیاهکل ایستاده ایم، روزی که فریاد شیفتگان آزادی و عدالت اجتماعی در جنگل های

سرد و یخ زده سیاهکل به خون نشست. پژواک آن فریاد جنگل و دشت و صحرا را در نوردید، به شهر و روستا رسید و بازتاب خود را در قلب صدها جوان پر شور انقلابی ای یافت که از سلاله آزادیخواهان ایران زمین بودند. آنان گوهر یگانه خود، جان خود را در طبق اخلاص نهادند، در نبرد با دیکتاتوری شاهی و به راه سعادت و بهروزی زحمتکشانشان نثار نمودند. بارها و بارها در خیابان و میدان تیر، در زندان و شکنجه گاه کشته شدند و باز هم بپاخاستند، افتادند ولی به زانو در نیامدند.

زیرا آنان دل در گرو مردم خویش داشتند.

دل از مرگ بیزار است که مرگ اهر من خو آدمی خوار است

ولی آن دم که زاندها را روان زندگی تار است

ولی آن دم که نیک و بدی را گاه پیکار است

توافق برای ایجاد

فروش سالیانه ۵/۵ میلیون تن آهن و محصولات فولادی ترکیه به ایران و امکان احداث یک خط آهن بین آنکارا - تهران اعلام شد. نژاد حسینیان ضمن تاکید بر تمایل جمهوری اسلامی به گسترش رابطه با رژیم ترکیه گفت: ایران علاقمند است حجم مبادلات تجاری با ترکیه را به ۲ میلیارد دلار در سال افزایش دهد. وی خواستار خرید بیشتر کالاهای جمهوری اسلامی از سوی ترکیه گردید.

ایجاد سیستم مخابراتی بین ایران و آذربایجان شوروی

مقامات اقتصادی جمهوری اسلامی و آذربایجان شوروی، توافقنامه‌ای در مورد ایجاد یک سیستم ارتباط تلفنی بین آذربایجان شوروی و استان های مرزی ایران به امضا رساندند.

از رویدادهای ایران

یکی از اصول درخشان تاریخ سیاست خارجی جمهوری اسلامی خواند که اعتبار نظام جمهوری اسلامی و تدبیر مسئولان را بار دیگر بر سیاستمداران جهان آشکار ساخت. اوی گفت خطوط کلی این سیاست را خامنه‌ای تدوین می‌کرد و رئیس جمهور با انجام بررسی های لازم و مشاوره هایی که در شورای عالی امنیت ملی صورت میگرفت، این سیاست کلی را پی گیری می‌کرد. وی گفت: این جنگ جنگ تجاوز، جنگ قدرت و جنگ نفت بود و به همین دلیل معقول نبود که ما سر نوشت خود را به یک جریان ملحد، فیر اسلامی و غیر الهی پیوند دهیم. ولایتی نیز در سخنان روز ۵شنبه خود بر بصیرت و درایت جمهوری اسلامی در قبال این جنگ تاکید کرد و گفت ما بر اساس احساسات عمل نکردیم و آنچه را که بر اساس مصلحت مردم منطقه و اسلام بود اساس قرار دادیم.

هشدار نسبت به رشد بیماری رماتیسم قلبی

در میان کودکان

دکتر ملکی سرپرست وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در گردهمایی دو روزه پزشکان متخصص در تهران نسبت به خطر بیماری رماتیسم قلبی در کودکان هشدار داد. وی گفت: شمار مبتلایان به رماتیسم قلبی در کشورهای پیشرفته نیم در هزار و در کشورهای جهان سوم از جمله ایران بین ۱۰۰ تا ۱۹۰ در هزار است. دکتر ملکی ضرورت پیشگیری هر چه سریعتر این بیماری را به عنوان یک امر حیاتی مورد تاکید قرار داد. وی برنامه این وزارتخانه برای جلوگیری از بیماری رماتیسم قلبی را شامل دو طرح پیشگیری اولیه و ثانویه ذکر کرد و گفت در طرح پیشگیری ثانویه که از مدت پیش در سطح مدارس کشور اجرا می‌شود، جلوگیری از پیشرفت بیماری مبتلایان و درمان آن مطرح است و در طرح پیشگیری اولیه، دادن آموزش های لازم به پزشکان و کادر پزشکی مطرح است.

توافق برای ایجاد

خط آهن تهران - آنکارا

امکان ایجاد یک خط آهن بین آنکارا و تهران در مذاکرات مقامات دو کشور مورد بررسی قرار گرفت. نعمین اجلاس مشترک کمیسیون دوجانبه اقتصادی - تجاری جمهوری اسلامی و ترکیه که در آنکارا تشکیل شده بود، به کار خود پایان داد و نژاد حسینیان وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی که ریاست قسمت ایرانی را برعهده داشت، طی مصاحبه ای نتایج کار این سمینار را تشریح کرد. وی گفت: بررسی امکان ایجاد یک شاه لوله برای انتقال گاز ایران به اروپا از طریق ترکیه مورد توافق قرار گرفت. قابل ذکر است که اکنون ۴ سال است مذاکره برای احداث چنین شاه لوله ای بین دو رژیم ادامه دارد. از جمله توافقات دیگر این کمیسیون

محمدی است. سید احمد خمینی در این سخنان بر ضرورت گزینش افراد خوب و مفید در وزارت آموزش و پرورش تاکید کرد و گفت این افراد باید صدر صد در خط امام، رهبری، ولایت فقیه و حرکت نظام باشند. وی افزود: حالا که بعد از ۷۰ سال مارکسیسم شکست خود را اعلام کرده، بر ما و حوزه های علمیه است که با تلاش فرهنگی و تبلیغی فرهنگ اسلام را جایگزین آن سازیم و دنیا را به نور اسلام روشن سازیم.

سخنان سید احمد خمینی نشانگر آن است که امور تربیتی مدارس کماکان وظیفه اعمال فشار بر دانش آموزان و کارمندان آموزش و پرورش به منظور "جلب آنان" به اسلام و "فرهنگ فنی" آن را عهده دار خواهند بود. این نهادها در نخستین سالهای انقلاب و به دستور خمینی برای اسلامی ساختن محیطهای آموزشی و کنترل دانش آموزان و معلمین پدید آمدند و بتدریج به نهادهایی منفور در میان دانش آموزان و فرهنگیان بدل شدند.

دیدار رفسنجانی با راجیو گاندی

روز سه شنبه ۷ اسفند ماه هاشمی رفسنجانی با راجیو گاندی نخست وزیر اسبق و رهبر حزب کنگره هندوستان که به ایران سفر کرده بود، دیدار کرد. در این دیدار گاندی بر لزوم حفظ امنیت توسط کشورهای منطقه تاکید کرد و حضور نیروهای خارجی را موجب هدم آرامش و امنیت در منطقه دانست. رفسنجانی در سخنان خود با اشاره به محاسبات رهبران هرات در مود حوادث اخیر و دیر تصمیم گرفتن آنها برای عقب نشینی از کویت گفت: تلاش های ما که به طور جدی در تلاش هاد حال به ثمر رسیدن بود، فرصت ها یکی پس از دیگری از دست رفت و در هر مقطعی آمریکا و نیروهای متحدین بهانه مناسبی برای افزایش فشار و رسیدن به اهدافشان در دست داشتند، تا وضع به اینجا رسید که می بینیم. وی مسئله اصلی بعد از جنگ را حفظ امنیت منطقه بدون حضور نیروهای خارجی دانست. رفسنجانی در قسمت دیگری از سخنانش همکاری هندوستان با "جهان اسلام" را به حل مسائل مسلمانان این کشور مشروط ساخت و با اشاره به ضرورت حل مشکل مسلمانان در کشمیر و هند، اظهار امیدواری کرد که با حل این مشکلات هند بتواند همکاری جدی و فعالی با جهان اسلام داشته باشد.

دفاع سران رژیم از سیاست بی طرفی

به دنبال شکست هرات در جنگ، جناح مسلط حاکمیت که از بی طرفی ایران در جنگ دفاع کرد، حملات مستقیم و غیرمستقیم خود به تندروها را که به نوعی خواهان دخالت در جنگ به نفع هرات بودند، تشدید کرده است. یزدی رئیس قوه قضائیه در نماز جمعه این هفته در پاسخ به مخالفین، سیاست جمهوری اسلامی در این زمینه را

آزادی بیش از

۱۵۵ اسیر جنگی

به گزارش خبرگزاری اسلامی، اواخر هفته گذشته گروه دیگری از اسرای جنگی ایران و هرات آزاد شدند. رژیم هرات روز جمعه ۶۶ اسیر ایرانی را آزاد کرد. گفته شده است که نام این اسرا در میان اسرای ثبت نام نشده ایرانی نبوده است. جمهوری اسلامی نیز متقابلاً ۶۶ اسیر جنگی هراتی را آزاد کرده است. جمهوری اسلامی و هرات تاکنون بیش از ۹۰ هزار اسیر را آزاد کرده اند. بیش از ۵۵ هزار تن از این عده اسرای هراتی بوده اند. شایان ذکر است که جمهوری اسلامی اخیراً طی نامه ای به دبیرکل سازمان ملل متحد خواهان اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ شده است.

انتقاد سانسور چیان

از سانسور اخبار جنگ

روزنامه های وابسته به رژیم به حملات تند تند علیه سانسور شدید خبری غرب در جریان جنگ دست زدند. روزنامه جمهوری اسلامی در شماره روز هفتم اسفند خود ضمن "قابل درک" خواندن اعمال سانسور از طرف رژیم هرات در "جنگ نابرابر"، سانسور خبری از طرف غرب را به شدت مورد حمله قرار داد و دلیل آن را از یک سو مخفی نگاه داشتن جنایات آمریکا در جنگ و از سوی دیگر پنهان کردن آمار تلفات نیروهای متحد ذکر کرد. روزنامه کیهان در همین روز تئوری "جریان آزاد اطلاعات" آمریکا را مورد انتقاد قرار داد و نوشت طبق این نظریه هیچ امری نباید در راه اطلاع رسانی مانع ایجاد کند. به نوشته کیهان وقتی دیگران فاقد نظام خبررسانی گسترده باشند، آنکه این نظام را دارد مدافع جریان آزاد اطلاعات می‌شود. کیهان می‌نویسد: سانسور خبری در جریان جنگ مشت آمریکا را باز کرد. آنها افکار همومی را بمباران می‌کنند و به رسواترین شکل سانسور دست زده اند.

تجلیل از امور

تربیتی مدارس

هفته گذشته رژیم سالگرد تاسیس نهاد تربیتی در آموزش و پرورش را برگزار کرد. بدین مناسبت روز سه شنبه هفتم اسفند ماه، مراسمی با حضور سید احمد خمینی، نجفی وزیر آموزش و پرورش، معاونین او، مسئولین و مربیان امور تربیتی در کنار مقبره خمینی برگزار شد. سید احمد خمینی طی سخنانی خطاب به مربیان تربیتی گفت: یکی از مسایل مهمی که شما حتماً باید به آن توجه کنید، مسئله فرهنگ اسلام است. وی فرهنگ فنی اسلام را فرهنگ از گهواره تا گور خواند و گفت محور فرهنگ اسلام کتاب الله است. او خاطر نشان کرد مهمترین وظیفه فرهنگیان "تدوین فرهنگ اسلام ناب

بخش اول مقاله **”توضیحات و نظراتی پیرامون طرح کارپایه تشکیلاتی در شماره گذشته نشریه کار درج شد.** با توجه به تاخیری که در انتشار نشریه کار بوجود آمده است، نویسنده مقاله مزبور، رفیق سامان نجف زاده عضو شورای مرکزی سازمان، بخش دوم آن را برای نشریه اکثریت ارسال داشته و درخواست چاپ آن را کرده است که در زیر به چاپ آن مبادرت می شود.

درباره کارپایه تشکیلاتی

سامان نجف زاده

عضو شورای مرکزی

عضو شورای مرکزی

اقلب تحت عنوان **”توطئه دشمنان حزب برای ایجاد تفرقه و انشعاب“** مورد سرکوب و تصفیه واقع می شد. در جواب باید گفت که اولاً، تنوع پلاتفرم و پلاتفرمیزه شدن الزاماً منجر به انشعاب نمی گردد. چه بسا تنوع پلاتفرم در چارچوب ارمان و اهداف پایه‌ای واحد حزب مطرح باشد که در اینصورت هر پلاتفرمی که نیروی بیشتری را در حزب بسیج نماید بعنوان پلاتفرم سمت دهنده برگزیده میشود. ثانیاً، چنانچه تنوع پلاتفرم از چارچوب آرمان و ارزشهای پایه‌ای واحد حزب فراتر رود و در نتیجه وقوع انشعاب محتمل گردد، در چنین صورتی هم مسلماً انشعاب متمدنانه بر مبنای پلاتفرم معینی بر سرکوب نظرات و عقاید و پایمال نمودن حقوق اعضای حزب ارجحیت دارد. علاوه بر این باید این موضوع مورد پژوهش قرار گیرد که آیا حزابی که بیان نظر و عقیده و انتشار پلاتفرم‌ها در آنها قانونی است، بیشتر دستخوش انشعاب بوده‌اند یا حزابی که فاقد چنین آزادیهایی بوده‌اند؟ ایده رایج **”از وحدت و پاکیزگی صنوف حزب باید همچون مردمک چشم محافظت نمود“** حزب را به مثابه **”هدف مقدس“** انشعاب متمدنانه بر مبنای پلاتفرم معینی بر سرکوب نظرات و عقاید و پایمال نمودن حقوق اعضای حزب ارجحیت دارد. علاوه بر این باید این موضوع مورد پژوهش قرار گیرد که آیا حزابی که بیان نظر و عقیده و انتشار پلاتفرم، شکوفایی فکر و اندیشه و آزادی و استقلال اعضای حزب را در انتخاب آلترناتیوی مناسب تر منکوب می سازد.

ماده ۹ کارپایه نیز از اهمیت حقوقی کمی برخوردار نیست. چه بسا اعضای که به دلیل اتهامات یا تخلفات، بدون توجه به دلایل و شرایط وقوع تخلف مورد تنبیه و یا اخراج قرار گرفته‌اند، بدون آنکه خود آن اعضا امکان دفاع از خویش را پیدا کرده باشند. یکی از مطالبات برنامه‌ای ما تقاضای دادگاه علنی و برخوردار ی متهم از حق دفاع، از حق داشتن وکیل و هیات منصفه و حق درخواست تجدید نظر برای متهمان بوده است ولی در مناسبات درون سازمانی به این مطالبات حقوقی اصولی و درست، کمترین توجه نمی شده است؛ در این رابطه بر خوداری عضو متهم از حق شرکت در ارگان بررسی کننده تخلف و داشتن حق دفاع (ماده ۹) دارا ی اهمیت حقوقی جدی است. در این راستا لازمست بر حق عضو متهم مبنی بر درخواست رسیدگی به پرونده او در ارگانهای مسئول قواتی نیز تاکید شود.

۴- حق یک سوم اعضای سازمان برای برگزاری کنگره فوق العاده (ماده ۵۷) از اهمیت جدی برخوردار است. در اساسنامه‌های سنتی غالباً بزگزاری کنگره (مادی و فوق العاده)به عهده رهبری احزاب واگذار می شد؛چنانچه رهبری حزب به هر دلیل از برگزاری کنگره ابا داشت، اهرم قانونی و حقوقی جهت تشکیل کنگره در اختیار اعضا قرار نداشت. باین ترتیب منافع و مصالح رهبری احزاب برخواست و اراده اعضای حزب ترجیح داده می شد. امروزه باید بر این اصل پافشاری نمود که انوریته‌ای نمی تواند و نباید مانوق اراده مجموعه اعضای حزب قرار گیرد. چنانچه یک سوم اعضای حزب خواهان برگزاری کنگره باشند و رهبری حزب از اجرای این درخواست سر باز زند، کمیته منتخب یک سوم اعضای درخواست کننده، خود مستقلا تدارک و برگزاری کنگره را به عهده می گیرد.

۵- **”عضویت هم زمان“** طی مواد ۱۷ و ۱۸ تبیین شده است. ماده ۱۷ شرکت و فعالیت اعضای سازمان در انجمن هاو تشکل های صنفی و دموکراتیک مختلف را بدرستی مورد تاکید و تشویق قرار داده است - اهمیت تشکل یابی اقشار متنوع مردم در تشکل های مختلف خود، در جوامع امروزی بر کسی پوشیده نیست. توده ها در این تشکل ها آگاهی خود را ارتقا داده، از منافع مشخص خود دفاع نموده و در امور اجتماعی سیاسی و تولید و توزیع نظارت و دخالت می نمایند. بدون حضور و فعالیت گسترده تشکل های مردمی، دموکراسی سیاسی و اجتماعی استمرار نخواهد یافت و توسط دولت ها یا گروه ها و طبقات حاکم پایمال میگردد. فعالیت اعضای سازمان به مثابه شهروندان دارای هویت و منافع اجتماعی و صنفی، توسط دولت ها یا گروه ها و طبقات حاکم پایمال میگردد. فعالیت اعضای سازمان به مثابه شهروندان دارای هویت و منافع اجتماعی و صنفی معین در این تشکل ها امری ضروری و طبیعی است. اما برخلاف گذشته، امروزه باید تاکید شود که هدف آن نیست تا سیاست سازمان در این تشکل ها **”پیش**

اکثریت

بر ده شود **”یا این تشکل ها “**تحت نفوذ **”سازمان** در آیند. میراث تفکر پیشین در برخورد با تشکل های دموکراتیک را که ناقض استقلال و نافی مضمون دموکراتیک و صنفی آنها و کانون درگیری گروه های سیاسی بود، باید کنار گذاشت. اعضای سازمان در این تشکل ها با هدف حفظ استقلال آنها در مقابل دولت و احزاب سیاسی و به منظور پیشبرد اهداف صنفی و دموکراتیک مشخص خود این تشکل ها باید شرکت و فعالیت داشته باشند. این مضمون کم و بیش در ماده ۱۷ گنجانده شده است، اما لازمست به طور صریح بر هدف **”دفاع از استقلال“** این تشکل ها نیز تاکید شود. با این حال طبیعی است که هر نهاد و تشکل دموکراتیک و صنفی نیز همانند دیگر بخش های جامعه حق دارد نسبت به مواضع و برنامه و شعارها و عملکرد دولت یا نیروها و احزاب سیاسی آگاهی یافته و به مثابه یک نهاد مستقل نسبت به آنها واکنش نشان دهد و نیز در امور سیاسی دخالت نماید.

ماده ۱۸ **”عضویت و فعالیت اعضای سازمان را در احزاب و سازمان های سیاسی دیگر غیر مجاز اعلام نموده است.** این ممنوعیت دو واقعیت را مد نظر دارد: اول اینکه، در فرهنگ سیاسی کشور ما و با تفکر فرقه گرایانه حاکم بر احزاب و گروه ها، عضویت هم زمان در دو حزب یا سازمان سیاسی غیر قابل قبول تلقی شده و معمولاً از زاویه **”نفوذ“** حساسیت زیادی به آن نشان داده می شود. دیگر اینکه، تا امروز وضعیت احزاب و سازمان های سیاسی چپ ایران به گونه ای بوده است که به لحاظ برنامه و مشی و شیوه های مبارزاتی دارای تضادها و تفاوت های فاحش بوده اند و در نتیجه عضویت هم زمان در دو حزب یا سازمان سیاسی غیر ممکن و غیر معقول بوده است. اما مسلم است که تفکر و فرهنگ سیاسی و وضعیت نیروها در کشور ما همواره به سیاق پیشین باقی نخواهد ماند. از نظر نگارنده عضویت هم زمان در دو حزب یا سازمان سیاسی که دارای اشتراکات و همسویی هایی در مشی و برنامه باشند، چنانچه با اطلاع و پذیرش ارگانهای مسئول احزاب مربوطه صورت گیرد، نه تنها مجاز بلکه بایده استقلال سیاسی عضو هم منطبق می باشد. در این صورت چنانچه عضو با اختلافاتی در مشی و برنامه دو حزب مواجه باشد، حل این تناقض مساله خود عضو و به عهده وی خواهد بود. از این دیدگاه، اعضای سازمان وابسته به ملیت های ساکن کشور، می توانند به طور هم زمان عضویت احزاب و سازمان های ملی و منطقه ای را نیز داشته باشند (چنانچه آن احزاب هم، عضویت هم زمان را بپذیرند). ولی عضو سازمان مجاز نیست که بدون اعلام عضویت و وابستگی سازمانی خود، در احزاب دیگر فعالیت نماید. چنین برخوردی می تواند امری نفوذی تلقی گردد و به موجب ماده ۶۱ موجب لغو عضویت در سازمان خواهد شد.

بحث مربوط به مقوله **”عضو“** و جوانب مختلف آن را با طرح یک موضوع دیگر خاتمه می دهیم: گفته شد کسی عضو سازمان می تواند باشد که آرمان و ارزش های پایه ای سازمان را بپذیرفته و در حد توان و امکان خود در جهت نیل به این آرمان و ارزش ها تلاش نماید. این تعریف از عضو در همین حال هم مختصات عضو و هم، حدود مرز سازمان مارا روشن می نماید. عضو سازمان باید دارای آن حد از شناخت و تعهد سیاسی - اجتماعی باشد که هم آرمان و ارزش ها و اهداف سیاسی - اجتماعی سازمان را آگاهانه بپذیرد و هم حاضر باشد که در حد توان خود برای نیل به آنها تلاش نماید. این حد از آگاهی و تعهد که لازمه پذیرش عضویت در سازمان می باشد، در بخش های قابل توجهی از اقشار روشنفکر مردمی و در لایه های از اقشار کارگری، کارمندی، زحمتمکشان، خلق ها و زنان و جوانان کشور ما یافت می شود. این پتانسیل حاصل چندین دهه حیات سیاسی و رشد ف. هنگی و اجتماعی جامعه ما می باشد.

با این تعریف و با این زمینه اجتماعی، عضویت در سازمان ما منحصر به **”نخبگان“** و **”قهرمانان“** نبوده بلکه سازمان می تواند به مثابه یک نیروی سیاسی سراسری و یک سازمان بازخود را گسترش دهد و علاوه بر روشنفکران طیف وسیعی از عناصر آگاه دیگر اقشار اجتماعی را جذب نماید. اما در همین حال آن آگاهی و تعهد مورد نظر، مانع از ورود هر **”رای دهنده“**، **”هوادار“**، **”ساده و“** پر داخت کننده حق عضویت **”به صوف سازمان می گردد و باین ترتیب حد و مرز سازمان ما و صفوف اعضای آن از شهروندان معمولی جامعه و طیف هواداران تفکیک و مشخص میگردد.** سازمان ما باید خصلت اساسی خود را به - مثابه تجسم بخش از **”اراده آگاه“** و **”وجدان بیدار“** جامعه ما برای روشنگری، اصلاح و تغییر اجتماعی حفظ نماید، و از آن حد از گسترش که این خصلت را بی رنگ می نماید، بپرهیزد.

۷- سازماندهی نیرو و ساختار تشکیلات در کارپایه بر دو رکن استوار است: اول تنوع اشکال سازماندهی و دوم، استقلال عمل واحدهای تشکیلاتی. در توضیح عامل اول همانطور که پیشتر هم گفته شد، اصولاً ساختار تشکیلاتی نمی تواند امری ثابت و غیر قابل تغییر باشد. این موضوع با توجه به شرایط سیاسی - اجتماعی، کم و کیف نیرو و اهداف و وظایف حزب، به

اشکال متنوع تحقق می پذیرد. با این دید در کارپایه شکل ساز ماهدهی در یک چارچوب کلی و منعطف به تشخیص و تصمیم نیروها در هر محل موکول شده است و این برخوردی اصولی است. در این رابطه نحوه سازماندهی در داخل و از جمله در مناطق ملی اساساً بخود نیروها واگذار شده است (مواد ۲۵ و ۲۱). برای خارج کشور نیز تنها یک چارچوب کلی و ساده شده (واحد محلی - واحد منطقه ای با کمیته کشوری و ارگان هماهنگی. تشکیلات خارج کشور - ماده ۲۲) ارائه گردیده است. این ساختار کلی لایه های میانی اضافی را حذف نموده و دارای انعطاف کافی به منظور تطبیق متنوع نیروها در خارج کشور می باشد.

در مورد عامل دوم یعنی استقلال عمل واحدها، باید گفت که این استقلال عمل البته نامحدود نیست و در همه جا مشروط به چارچوب آرمان و ارزش های پایه ای سازمان (و در صورت تصویب اسناد پایه ای، مشروط به آنها) می باشد. این چارچوب سمت گیری برنامه ای واحد سازمان و هماهنگی و همسویی پراتیک سیاسی - اجتماعی واحدهای مختلف و اعضای سازمان را تأمین می نماید، امری که بدون آن حزب به معنایی که در مقدمه توضیح داده شد نمی تواند موجودیت داشته باشد. اما استقلال عمل واحدها در چارچوب ذکر شده، از یکسو باعث عدم تمرکز قدرت مطلق در دست ارگان های مرکزی و بالایی می گردد و از سوی دیگر تحرک و خلاقیت و اتکا به خود نیروهای تشکیلات را افزایش می دهد. به این ترتیب آنچه که همه اعضا و واحدهای سازمانی را به هم پیوند داد و در یک راستا همسو می نماید ارزش ها و اهداف سیاسی - اجتماعی مشترک است که در این چارچوب هر واحد مستقلاً برنامه عمل و وظایف خویش را با توجه به ویژگی های محل، طرح ریزی و پیاده می نماید.

در رابطه با ساختار فوق الذکر همه جا بر یک نکته تاکید شده است و آن ارایه گزارش توسط هر واحد تشکیلاتی به اعضای واحد و به ارگان های مافوق است (مواد ۲۹، ۳۲ و ۶۶)، از طریق گزارش دهی متقابل، اعضا و ارگان ها بر عملکرد همدیگر و بر پیشرفت درست امور نظر دارند. به عمل می آورند. در سازماندهی نوین لازمست بر اهمیت امر گزارش دهی تاکید هر چه بیشتری به عمل آید. هیچکدام از اعضا و ارگان های سازمان نباید از حق خود مبنی بر دریافت گزارشات ضرور صرف نظر نمایند و هیچ ارگانی هم مجاز نیست که خود را خارج از نظارت و کنترل تشکیلات قرار داده و امر گزارش دهی را بدست فراموشی بسپارد. گزارش دهی و گزارش گیری هم به منظور استقرار علنیت در سازمان و هم به منظور نظارت بر جزایر امور سازمان، لازمست بصورت یک مکانیسم پایدار و نهادی درآید. در همین حال این مکانیسم نباید استقلال عمل واحدها را خدشه دار نماید.

۸- در کارپایه تنها سیاست ناظر بر سازماندهی نیرو در داخل بیان شده و از بیان جزئیات دیگر صرف نظر شده است. این سیاست شامل چهار عنصر یا محور میباشد: عدم تمرکز، محدودیت اطلاعات، حفظ نیرو و استقلال عمل واحدهای سازمانی (ماده ۲۵). در این چارچوب اعضا و فعالین سازمان در داخل، در مورد همه مسایل دیگر از جمله شکل سازماندهی، چگونگی و میزان فعالیت، شکل ارتباطات درونی با ارگان های مسئول در خارج و ... خود مستقلاً تصمیم گیری می نمایند. استقلال عمل واحدها که یکی از ارکان مشی تشکیلاتی در کارپایه است، بویژه در رابطه با نیروهای داخل ضرورت و اهمیت بیشتری پیدا می کند. تصمیم گیری از خارج برای نیروهای داخل در مورد چگونگی سازماندهی و پیشبرد مبارزه نه تنها بخاطر غیر عملی بودن بلکه همچنین به خاطر غیر اصولی بودن آن، نادرست و ضربه زننده است. توصیه ها و رهنمودهای ارگان های مسئول سازمانی در خارج کشور در رابطه با چگونگی پیشبرد مبارزه و اشکال سازماندهی و ارتباطات تنها در صورتیکه به تشخیص فعالین داخل منطبق با شرایط محل بوده و عملی باشند، می تواند به اجرا درآید. سیاست عدم تمرکز امروزه تا هر حد ممکن و ضرور لازمست تعمیم داده شود. این امر در رابطه با پیشگیری از وارد آمدن ضربات بیشتر به سازمان و حفظ نیروی اندک باقیمانده ضروری است. تمرکز نیرو و گسترش واحدها کار رژیم را در سرکوب و وارد آوردن ضربات بیشتر به سازمان ساده تر خواهد ساخت. بویژه لازمست تاکید گردد که سیاست ایجاد و حفظ واحدهای تماماً حرفه ای و مخفی و منزوی نادرستی خویش را به اثبات رسانده است. نیروهای داخل لازمست حتی الامکان از گردن مردم و پیشبرد مبارزه در راستای اهداف برنامه ای استفاده نمایند.

بویژه در شرایطی که رژیم ضربات گسترده ای را به همه نیروهای سیاسی و از جمله سازمان ما وارد ساخته است، حفظ نیرو از اهمیت زیادی برخوردار است. برنامه ریزی برای مبارزه در داخل کشور باید با چشم انداز کار آرام، پایدار و دراز مدت

➤

نگاهی تازه

به اقتصاد

وسیاست

در ایران

معاصر

انعطاف پذیری بسیار زیادی در پرداخت‌های می‌دهد. در یک کلام، این هواید "پول مالیات دهندگان" نیست تا دولت در مورد چگونگی خرج کردن آنها ملزم به پاسخگویی باشد.

به همان میزان که درآمد نفت، دولت را از ابزار تولید داخلی و طبقات اجتماعی مستقل می‌کند، در بسیاری موارد، خود این طبقات به دولت وابسته می‌شوند؛ از جمله برای کار، کمک‌های مستقیم و امتیازهای گوناگون دریافت وام برای سرمایه‌گذاری و... بنابراین هزینه‌های دولت به عنوان سرچشمه قدرت اقتصادی و سیاسی که تمایل به حفظ و گسترش خود دارد، سرنوشت طبقات اجتماعی مختلف را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

مدل مورد بحث، قشر بندی اجتماعی نفتی در ایران را به ترتیب زیر بررسی می‌کند:

الف - مجموعه نظامی - بورکراتیک روبه‌گسترش، متخصصان و سایر گروه‌های تحصیل کرده و حتی صاحبان سرمایه، وابستگان دولت را تشکیل می‌دهند. اینان بیشترین سهم را از هواید نفت دریافت می‌کنند.

ب - توده‌های شهری که برای کار، حداقل حقوق تضمین شده، سوپسید مواد غذایی، طرح‌های بهداشتی و تعلیم و تربیت و نیز امکان ترقی و پیوستن به "خواص"، چشم به دولت

دوخته‌اند. ج - و بالاخره در آخر صف، اکثریت عظیم روستائیان قرار دارند که بیشتر و فقیرتر از آنند که در زمره بهره‌وران از درآمد نفت قرار گیرند و از لحاظ سیاسی (به دلایل تاریخی، اقتصادی و اجتماعی مختلف) ضعیف‌تر از آن که قادر به تعدید مستقیم رژیم باشند. بخشی از آنها با مهاجرت در صدد بهبود وضع خود برمی‌آیند، به این معنا که می‌خواهند به آن دسته توده‌های شهری بپیوندند که دولت می‌خواهد تا اندازه‌ای راضی‌شان نگه‌دارد.

در مجموع نظام قشر بندی نفتی، دولت را به "حامی" یک طبقه وابسته در حال رشد، "قیم" زندگی و کار توده‌های شهری و "عامل انزوای" روستائیان بدل می‌کند. و هنگامیکه در جامعه‌ای مثل ایران نیروها و نهادهای تاریخی استبداد و سلطه سنتی جامعه شهری بر روستائی از قبل وجود داشته باشد، نظام نفتی تنها در خدمت بازسازی و تحکیم روابط و روندهای موجود و یا باقیمانده از گذشته قرار می‌گیرد.

در این قشر بندی، کاتوزیان گروهی از خدمات یعنی عمده فروشی و خرده فروشی داخلی را جدا کرده و می‌گوید: این گروه تنها گروه عمده فعالیت اقتصادی بود که رونق خود جوش داشت. یعنی جزیی از طرح‌های شبه مدرنیستی دولت نبود، و در ضمن بسیاری از دست اندرکاران آن به صف وابستگان دولت تعلق

نداشتند. تاثیر سیاسی - اقتصادی این واقعیت (یعنی مستقل بودن گروهی از فعالین اقتصادی از دولت) بسیار عظیم بود. تجار بزرگ و کوچک که هم از حیث اقتصادی و هم از نظر جامعه شناسی خارج از چارچوب استبداد شبه مدرنیستی قرار داشتند و با تمام اقدامات، ارزش‌ها و آرمانهای آن مخالف بودند. از طریق فعالیت‌های دولت البته ثروتمند شدند. اما ثروت افزایش یافته تجار، ثمره گریز ناپذیر نظامی بود که نه تنها کمترین تعدی در قبال آن نداشتند، بلکه خود را در مخالفتی فزاینده و اجتناب ناپذیر با مشی سیاسی و فرهنگی آن نیز می‌یافتند.

به این ترتیب خود مختاری برخی جوامع که دولت بارشده، سرکوب، خشونت و بی قانونی سخت در ناپودی‌اش کوشیده بود، با رشد تصادفی ثروت جامعه بازاریان و به طور عمده در نتیجه آن مراجع و پیشوایان مذهبی به آرامی دوباره برقرار شد.

کاتوزیان بررسی دقیقی به کمک آمار و ارقام منابع رسمی دولت در زمینه مسایل صنعت، خدمات و کشاورزی انجام داده و پیامدهای استبداد نفتی را در مقابل خواننده قرار داده است. به اعتقاد نویسنده: آنچه در این دوره در کشور رخ داده پیشتر، اجتماعی - اقتصادی بود و نه مدرنیسم. بلکه شبه مدرنیسمی بود که هوایدنفت آنرا تسریع کرد. از جمله باید گفت که شکل تغییرات ساختاری اقتصادی نه به دلیل گسترش شهرنشینی بلکه به

سازمان به مثابه "ارزش" مورد تاکید واقع شده است. در گذشته "وحدت ایدئولوژیک" و یکسان اندیشی اعضای حزب "ارزش" تلقی می‌شد. حاصل چنین دیدگاهی، خشک‌اندیشی و تحجر، یکسویه‌نگری و عقب ماندگی فکری بود. به عکس، استقلال فکری و تنوع نظری و برخورد آراء و عقاید موجب شکوفایی فکر و اندیشه و شناخت نواقص و خطاها و رشد تعقل و تفکر می‌گردد. عملکرد واحد اعضا در جهت نیل به اهداف مشترک در عین تنوع نظری و اختلاف نظر بیانگر سطح بالای فرهنگ حزبی و تجلی احساس مسئولیت و تعهد در قبال آرمان‌ها و اهداف مشترک می‌باشد.

بر طبق مناسبات تعریف شده در کارپایه، تصمیمات در ارگان‌ها و واحدهای سازمانی بر مبنای توافق دموکراتیک (و نه با توسل به ماشین رای) اتخاذ گشته و توسط اعضای موافق (و چنانچه اعضای مخالف نیز مایل باشند، توسط همه اعضا) باجرا در می‌آید و به این ترتیب وظایف سازمانی محلی می‌شود. در عین حال اقلیت ارگان یا اعضای مخالف تصمیم، برای اجرای آن تحت فشار قرار نمی‌گیرند و مجبور نمی‌شوند تصمیمی را که با اصول اعتقادی آنها ناسازگار است بانجام رسانند. در نتیجه اعضای مخالف دچار تناقض و تضاد درونی با خود و با تشکیلات نخواهند شد. از طرف دیگر اقلیت یا اعضای مخالف تصمیم هم مجاز نیستند اجرای تصمیمات اکثریت را با مانع روبرو ساخته و عملکرد بیرونی سازمان را فلج نمایند. چنین برخوردی مقایر اصول دموکراتیک و موجب سلب حقوق اکثریت خواهد شد.

چنانچه ارگان سازمانی با تصمیم ارگان مافوق مخالف بوده و اختلاف نظر در مشاوره و همفکری طرفین بر طرف شود، نظر اکثریت کفرا نسی یا مجمع اعضای واحد مربوطه، راهنمای عمل ارگان مخالف خواهد بود. با چنین مکانیسمی قدرت نامحدود ارگان‌های مافوق جهت پیشبرد نظرات و تصمیم خود با محدودیت و کنترل از پایین مواجه به‌رازی و اراده اعضا مشروط می‌گردد. در نتیجه چنانچه ارگان یا ارگان‌های رهبری در مقاطعی دچار اشتباه یا خطا شوند با مقاومت از پایین روبرو شده و گسترش و تداوم خطا با مانع روبرو خواهد شد. چنین مکانیسمی لازمه دموکراتیسم و کنترل از پایین می‌باشد. در عین حال چنین مکانیسم و چنین حقی، برای اعضا ارگان‌های سازمانی مسئولیت و تعهد هم ایجاد می‌نماید. به عبارت دیگر اعضا و ارگان‌های سازمان در رابطه با آنچه که عمل می‌نمایند و به اجرا در می‌آورند، در نیک و بد آن شریک بوده و دارای مسئولیت می‌باشند.

شهری، منطقه‌ای و اکولوژیک در ابعادی غیر قابل تصور شد. قشرهای سنتی و پائین جامعه را به شبه مدرنیست‌های صرفا مصرف کننده تبدیل کرد. برخی حرفه‌ها و صنایع را تا بودکرد یا از رونق انداخت و برخی دیگر را رونق گسترش داد. انتظارات اجتماعی و مادی (که چه بسا بر آورده نمی‌شد) را بالا برد. سنت‌های فرهنگی و روابط قومی رازیر پا نهاد بی‌آنکه جانشین مناسبی برای آنها بیابد. تنگناها و عدم تعادل‌های حادی رادر بین و در داخل بخش‌ها و نهادهای اقتصادی مختلف پدید آورد دولت راز جامعه چنان جدا کرد که یافتن مانند آن در تاریخ بشری دشوار است... اینها عمده بهائی بود که در راه پیشرفت ایران به سوی اهداف کاملاً تخیلی از قبیل تبدیل ایران به "پنجمین قدرت صنعتی دنیا" و تحقق "تمدن بزرگ" پرداخته شد.

در مورد برگردان کتاب نیز باید اذعان کرد که مترجمین دقت و امانت را جادار عایت کرده‌اند و تا حد امکان منابع فارسی مورد اشاره را راسا مورد رجوع قرار داده‌اند. اما متأسفانه ۲ فصل آخر متن انگلیسی کتاب که به انقلاب بهمن ۵۷ و آینده آن اختصاص دارد، به دلیل سانسور و حساسیت‌های رژیم، در ترجمه حذف شده است.

امیدواریم که اهل ترجمه در خارج از کشور به برگردان و نشر این فصل هاهمت گمارند.

الف. حکیمی - ۵ نوامبر ۹۱

بدین لحاظ ضروری است که در مسایل اساسی و تصمیم مهم، همه اعضا و ارگان‌های سازمان به مثابه انسان‌های آگاه و مستقل با حساسیت لازم جواب موضوع را مورد نقد و بررسی دقیق قرار داده و تنها پس از کسب اطمینان و اعتقاد به ضرورت و درستی موضوع، اقدام به پیشبرد و اجرای آن بنمایند.

در ماده ۶۸ حقوق دارندگان پلاتفرم تاحداشتن نماینده (به نسبت نیروی هر پلاتفرم) در ارگان‌های رهبری ارتقا یافته است. باین ترتیب رهبری از انحصار یک گرایش خارج شده همه گرایشات را در بر می‌گیرد و در عین حال نیروی پلاتفرم اکثریت نیروی سبت دهنده خواهد بود. تنوع نظر و پلاتفرم از یک طرف و هم‌فکری و همکاری مشترک گرایشات مختلف در ارگان‌های رهبری به منظور پیشبرد اهداف مشترک از طرف دیگر، محیط دموکراتیک، خلاق و زنده‌ای در سازمان ایجاد خواهد نمود که زمینه شکل‌گیری دسته‌بندی‌های مخرب و توطئه‌گرانه و خطر انشعاب قابل اجتناب را به مقدار زیادی از بین خواهد برد.

۱۱ - ارگان‌های رهبری مرکزی شامل شورای مرکزی و گروه‌های کار ده‌گانه منتخب کنگره اول تجربه جدیدی است که جنبه‌های مثبت و منفی آن باید جمع‌بندی و به کنگره دوم ارائه گردد. هم‌اکنون شورای مرکزی خود با تناقض درونی و مشکلات این شکل سازماندهی مواجه است. تناقض ناشی از مسئولیت شورای مرکزی جهت هدایت همومی سازمان از یک طرف و تقسیم این مسئولیت و محدودیت شورا برای سازماندهی ارگان‌های مناسب و موثر جهت رهبری امور از طرف دیگر، و نیز پراکندگی جغرافیایی اعضا و ترکیب گاه‌گاه ناماهنگ گروه‌های کار از جمله این مشکلات می‌باشند. این تناقض در کارپایه به سود تثبیت و تقویت مسئولیت و اختیار شورا تا حدودی کاهش داده شده است. اما باین حال لازمست شورای مرکزی بر اساس جمع‌بندی این تجربه، طرح مناسب سازماندهی ارگان‌های مرکزی را به کنگره دوم ارائه نماید. بنابراین در اینجا توضیح بیشتر مواد این بخش کارپایه لازم به نظر نمی‌رسد. فقط یادآوری می‌شود که حق شورا برای ترمیم خود با دوسوم آراء و ترمیم گروه‌های کار توسط شورا امری اصولی است که ضرورت آن در تجربه چند ماه گذشته نیز احساس شد. نگرانی‌های توجیه‌ناپذیر منفی گذشته در این زمینه، با توجیه به مکانیسم‌های جدید دموکراتیک درون سازمانی برای نظارت و کنترل تشکیلات بر عملکرد ارگان‌های رهبری، موردی نخواهد داشت.

۱۲ - علاوه بر محدودیت‌ها و ملاحظات معینی که

درباره کارپایه تشکیلاتی

۱۵ - مهمترین بخش کارپایه مبحث "مناسبات درون سازمانی" است که در ده ماده تدوین گشته است (مواد ۶۸ - ۵۸) چگونگی مکانیسم و مناسبات درونی یک سازمان، درواقع خلعت و ماهیت آن سازمان را از نظر تشکیلاتی رقم می‌زند. در کارپایه اصول ناظر بر مناسبات درون سازمانی به طور خلاصه عبارت است از: دموکراسی وسیع، تنوع نظر، تنوع پلاتفرم، انتخابی بودن همه مسئولین و ارگان‌ها، گزارش‌دهی متقابل، توافق دموکراتیک در تصمیم‌گیری‌ها، اجرای داوطلبانه تصمیم، حق داشتن نماینده در ارگان‌های رهبری برای طرفداران پلاتفرم‌ها، استقلال عمل اعضا و واحدهای تشکیلاتی در چارچوب اسنادپایه‌ای مصوب سازمان و...

استقرار و تثبیت چنین مکانیسم‌ها و مناسباتی در سازمان ما، ماهیت آن را نسبت به گذشته و در مقایسه با مدل "احزاب طراز نوین" به کلی دگرگون خواهد ساخت. آنچه که در گذشته تحت عنوان "سانترالیسم دموکراتیک" مبنای مناسبات درونی در احزاب و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی قرار می‌گرفت، صرف نظر از تعریفی که برای آن ارائه می‌شد، در عمل به سیستم فرماندهی، بوروکراتیسم و نقض ضمن حقوق اعضا منجر گردید. گذشته از این با هیچ منطقه‌ای این امر قابل توجیه نیست که حقوق دموکراتیک و فردی و اجتماعی اعضای حزب در درون حزب پایمال گردد. مسلماً حزبی هم که حقوق فردی و دموکراتیک اعضای خود را زیر پا می‌گذارد، نمی‌تواند مدافع و پاسدار چنین حقوقی در جامعه باشد.

حال باید هدف این باشد که مناسبات مبتنی بر سانترالیسم، فرماندهی و فرمانبری، بی‌حقوقی اعضا، اعمال فشار برای انجام وظایف، تقسیم بندی تشکیلات به "رهبران"، "مادام‌العمر" و "توده تشکیلاتی" کارگزار و... کنار زده شود و سازمان نوینی بر مبنای مناسبات دموکراتیک و انسانی، بر مبنای برابر حقوقی اعضا آگاه و مستقل، بر مبنای احترام به حقوق فردی و اجتماعی عضو و بر مبنای احساس مسئولیت و تعهد و انضباط آگاهانه اعضا در اجرای وظایف پذیرفته شده، پدید آید. در یک کلام هدف آنست که در مناسبات درون سازمانی دموکراسی وسیع بجای "سانترالیسم - دموکراتیک" مبنای قرار گیرد.

در ماده ۱۶ اختلاف نظر و عملکرد واحد اعضای

در راستای اهداف برنامه‌ای صورت گیرد و از هر ز نیرو در عملیات تبلیغی مطلق، یا در عملیات نمایشی و یا برای سازماندهی امکانات مخفی احترام به عمل آید. نیروها اعضا در داخل می‌توانند تنها وظایفی را پیش روی خویش قرار دهند که شرایط و امکانات موجود جامعه و خود هسته عملی نمودن آنها را امکان پذیر می‌نماید.

شیوه‌ها و اشکال مبارزه هم باید مورد قبول مردم بوده و متوجه روشنگری، بسیج و حرکت خود آنها باشد.

در اینجا لازمست یک نکته دیگر را هم خاطر نشان نمود: نیروهای سازمان در داخل لازمست برای تأمین حقوق اعضا و انطباق مناسبات درونی واحد با مناسبات تعریف شده در کارپایه (پس از اصلاح و تصویب) تلاش نمایند، در بقیه موارد خود آنها می‌توانند کارپایه را با شرایط و امکانات واحد خویش تطبیق دهند.

۹ - اهمیت مساله ملی ایجاب می‌کند که مشی سیاسی و تشکیلاتی مادر بر خورد با مساله ملی به طور صریح و روشن در کارپایه‌های سیاسی و تشکیلاتی بیان گردد. اما در کارپایه تشکیلاتی به بیان کلی مشی تشکیلاتی ما دایر بر برخورداری واحدهای سازمان در مناطق ملی از حق استقلال کامل سیاسی - تشکیلاتی در چارچوب سمت‌گیری برنامه‌ای سازمان اکتفا شده است (ماده ۲۱). لازمست این مشی کلی مشخص‌تر و دقیق‌تر تدوین شود. به نظر من "استقلال کامل سیاسی - تشکیلاتی" واحدهای سازمان در مناطق ملی از جمله شامل برخورداری از حق انتخاب رهبری صلاحیتدار و دارای حق تصمیم‌گیری در همه امور مربوط به منطقه، ارگان خاص، سیاست منطقه‌ای مستقل در امر اتحادها، اشکال مبارزه و سازماندهی نیرو نیز می‌شود. علاوه

بر این نیروهای سازمان در هر منطقه ملی به نسبت کمیت خود باید نماینده یا نمایندگانی در ارگان رهبری مرکزی سازمان داشته باشند. همچنین نیروهای سازمان وابسته به ملیت‌ها که در حال حاضر در خارج کشور ساکن می‌باشند، حق دارند علاوه بر ارتباط با واحدهای سازمان در محیط زندگی خود، دارای ارتباطات و فعالیت مستقل خویش نیز می‌باشند.



جنگ خلیج و کردستان

...بعد از اولین بمباران‌های شهرها و مراکز نظامی که بخشی از آن مراکز سلاح شیمیایی است که در کردستان قرار دارد، سیل فرار از شهرها و منطقه بصورتی گسترده شروع شد. طبق خبر خبرگزاریها صدها هزار نفر از مردم کردستان بسوی مرزهای ایران به حرکت در آمده‌اند و از قرار بیش از دو میلیون نفر از بغداد تا نجف و کربلا و شهرهای کردستان رو به طرف مرز ایران دارند. در رابطه با کردستان از سال ۱۹۷۵ بعد از شکست جنبش کردستان عراق به رهبری مصطفی بارزانی، این وسیع‌ترین مهاجرت است. گفتنی است طبق گفته اپوزیسیون کردستان صدام بخشی از کردها را به زور به کویت کوچ داده است که آنجا هم در معرض خطر قرار گیرند.

ترکیه عضو ناتو به محل استقرار نیروهای نظامی کشورهای اروپایی و آمریکا تبدیل شده، مجموعه این نیروها در جنوب ترکیه یعنی کردستان مستقر هستند، در طول دو روز اول جنگ حدود نیم میلیون نفر نوار مرزی را بطرف شهرهای کردستان و دیگر نقاط ترکیه ترک کرده‌اند، شهر مرکزی دیار بکر که یکی از شهرهای کردستان است نیمی از جمعیت خود را از دست داده است. وحشتی که مردم را

خود ره‌گویدت که باید رفت!

آنچه از چپ ایران به جا مانده، بقیه السیف اهالی روستای پر جمعیتی را مانده، که زیستگاه گلپیش پیش از آنکه از هوارض زمین لرزه نخست برهد، به لرزه دوم گرفتار آمد. اینک از آن آبادی سرسبز، مشتی مردم خسته و داغدار و غبارآلود آوارهای سنگین، به جا مانده‌اند. شاید هنوز برای آنکه در وجود اهالی، اراده کافی برای تجدید بنای ده فراهم آید، به گذشت زمان نیاز باشد. اما در هرحال، قانون زندگی را گریزی نیست و دیر یا زود جبر زندگی چنین اراده‌ای را فراهم می‌آورد. اگر ریش سفیدان قبیله این فرصت و امکان را نیابند - یا فراهم نیاورند - که اهالی را در جایی به انجمن گرد کرده، طرحی برای بنای دوباره آبادی در اندازند، آنگاه به جز آنکه که بعد از دفن نزدیکانشان، برای همیشه کوچ به آبادیهای اطراف را پیشه می‌کنند، بقیه، هر یک به سبک و سیاق خویش، برپائی آلونکی را شروع خواهند کرد و چه بدقواره‌تر و آسیب پذیرتر از آبادی پیشین در خواهد آمد و دهی که اینگونه تجدید بنایش آغاز شود!

هیچ ناجی‌ای در کار نیست. ما اهل این آبادی ایم و در هر جای دیگر غربتی و آواره ساختن آسان نیست و اگر بنا بر کار بست تجربه هاست و نمی‌خواهیم خانه فردایمان هم از خشت خام و گل باشد، ساختن صدار مشکل تر است. اما آیا جز آنکه غبار از تن بزدائیم، بر رخوت ناشی از یاس فائق آئیم و پای در رکاب کنیم، چاره دیگری می‌شناسیم؟

شاید احساسات واحدی نداشته باشیم و اصلا زلزله‌ای به‌دان مفهوم که ذهن مرا انباشته برای آن دیگری حتی قابل فهم نباشد، شاید تو یا او اینطور فکر کنید که اولی زمین لرزه خفینی بود که گذشت و دومی گشایش هضمی بود و بختکی که بر سینه چپ افتاده بود، بالاخره برداشته شد و حالا چپ می‌تواند در

درباره کار پایه تشکیلاتی

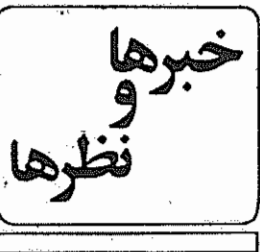
مد نظر کمیسون تدوین کننده کار پایه قرار داشته و در مقدمه این نوشتار مورد اشاره واقع شد، مسلما کار پایه حاضر حاوی ابهامات، اشکالات و کمبودهای دیگری نیز می‌باشد. حال که فاصله زمانی زیادی با کنگره دوم موجود نمی‌باشد، انتظار این است که بحث مربوط به ساختار و مناسبات درون سازمانی توسط رفقای صاحب نظر در نشریات سازمانی فعال گردد، نوشته حاضر نیز عمدتاً با همین هدف انتشار یافته است. امید است که اعضای سازمان با نقد کار پایه‌های تشکیلاتی ارائه شده، در جهت شناخت و رفع نواقص و اشتباهات آنها به منظور اصلاح و تکمیل و ارائه به کنگره دوم، گام بردارند.

در بر گرفته روز به روز دامن گسترتر می‌شود، آمریکا تهدید کرده مراکز تولید سلاح‌های شیمیایی را که در منطقه کردستان از سال ۱۹۸۰ بطور مخفیانه توسط رژیم صدام با همکاری ۱۴۰ شرکت آلمانی و اروپایی و آمریکایی در حال ساختن بوده، منهدم خواهد کرد، انهدام این مراکز و پخش گاز در منطقه بصورتی خواهد بود، که طبق گفته کارشناسان تاثیر آن تا به آنکارا است. آنانکه شاهد فاجعه حلبچه بوده‌اند، اینک به چنین مهاجرتی دست زده‌اند.

...کردستان و مردم آن، مردمی که هیچ نقشی در برپایی این جنگ نداشته‌اند، اکنون به زمین سوخته جنگ تبدیل می‌شوند، زمینی که در جنگ ایران و عراق هم زمین سوخته بود، زمینی که در جنگ‌های دور و نزدیک امپراتوری عثمانی و شاهنشاهی پارس (فارس) هم زمین سوخته بوده، مردمی که چهار صد سال است آرزوی صلح مطمئن را در زیر آسمان آبی، روی خاک خودش را دارد، بار دیگر بدون اینکه خود بخواد در میان گاز انبر قرار می‌گیرد.

در این روزها که فریاد صلح مردم جهان در خیابان‌ها طنین افکن است، می‌بایست برخلاف رسانه‌های غربی و شرقی که در این مورد سکوت مطلق در پیش گرفته‌اند، فریاد مردم کردستان را به گوش مردم جهان رساند. صلح خواسته دیرینه مردم کردستان است و صلح در خاور میانه بدون حل مسئله کردستان در کنار حل دیگر مسائل منطقه میسر نخواهد بود. هر کفر انسانی بدون حضور نمایندگان این ملت عادلانه نخواهد بود. مردم کرد شدیدا علیه جنگ بوده و هستند، چرا که هستی این ملت سالها بوسیله جنگ تحصیل شده بر او، برپا رفته است. صلح (ناشتی) بانگ رسای این مردم است.

بهرام موکریانی
آلمان فدرال - ۱۹۹۱/۱/۱۹



شجاع الدین شفا، تهدید به جدایی

از رضا پهلوی

شجاع الدین شفا که بعنوان یکی از چهره‌های مدافع کامل سیستم گذشته و نظام سلطنتی شناخته شده و در مقالات خود در سالهای اخیر همواره آن بخش از سلطنت طلبانی را که در عین حال از سیستم گذشته انتقاد میکنند، مورد حمله قرار داده است، در آخرین مقاله خود با عنوان "پس از ۴۰۰۰ روز، امروز وظیفه ناسیونالیسم ایرانی چیست" یک قدم فراتر رفته و با حمله مستقیم به رضا پهلوی، همفکران خود را با عنوان نیروی سوم به در پیش گرفتن راهی مستقل از وی فرامی‌خواند.

وی در مقاله خود که بمناسبت دوازدهمین سالگرد حاکمیت جمهوری اسلامی نگاشته شده است ابتدا فعالیت‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی و بویژه رضا پهلوی را مورد حمله قرار داده و نوشته است "در مورد مخالفان اعلام شده این حکومت روضه خوانان، یعنی در مورد نیروهای مقاومت برون مرزی مانیز اهم از جناح‌های افراطی و اعتدالی، سلطنت طلبان یا پیروان راه مصدق یا جمهوری خواهان انصاف میباید داد که ایشان هم در همه این چهار هزار روز در مسیر خود پای بر جا ماندند و از آن منحرف نشدند، یعنی بطور پی گیر از ایفای رسالت خویش سرباز زدند، بطور پیگیر به لاف و گزاف و به وعده و ادعای بی‌پشتوانه اکتفا کردند...."

تاریخ دوازده سال فعالیت - یا هم فعالیت - اپوزیسیون برون مرزی ما، در همه جناح‌های آن، تاریخ بی‌افتخاری از ضعف و تسلیم و بی‌ایاقتی و فرار از مسئولیت است. تاریخ مبارزه کاذبی است که منحصر در سرزمین‌های امن و بی‌خطر، در صدهزار کیلومتری مرزهای ایران صورت گرفته است، و جای تعجب نیست اگر هیچ ابر قدرتی، هیچ قدرت دست دوم و دست سومی، هیچ تشری از افکار عمومی جهان، این اپوزیسیون هم‌لر زده سالتی‌های پاریس و لندن و واشنگتن را در میدان ارزش‌یابی جدی نگرفته باشد، همانطور که جای تعجب نیست اگر مردم سرخورد ایران نیز در طول زمان بدین نتیجه رسیده باشند که چنین اپوزیسیونی را جدی نمیتوان گرفت."

"در چنین شرایطی وظیفه ناسیونالیسم ایرانی در این دوران بحرانی سر نوشت ساز چیست؟ همچنان دست روی دست بگذارند و همچنان شاهد ادامه مبارزات کافذی یازده ساله بمانند؟ یا به منطق فریکارانه‌ها خیال‌بافانه "تعدیل ماهیت حکومت آخوند" اسر تسلیم فرود آورد و با این حکومت از در سازش در آید؟ یا همچنان در انتظاران بنشیند که ساز مانهای بین المللی و رسانه‌های گروهی و مدافعان حقوق بشر و موج فراگیر آزاد سازی و نیک اندیشی جهان بزرگان دست به دست یکدیگر بدهند و مبارزان راه دموکراسی را به مسند حکومت برگردانند و یا اینکه اصولا دفتر مقاومت را ببندند و اقلیت حکومت آخوند را بصورت امری تثبیت شده بپذیرند."

وی سپس بمیدان آمدن مبارزانی جدید تحت عنوان نیروی سوم را ضروری دانسته و مینویسد "روند کار فردا نیز الزامات تابع همان قوانین دیروز است. اصل تنها این نیست که این فرصت‌ها، این شرایط و این امکانات از نو فراهم آیند، این است که این بار به هنگام فراهم آمدن آنها کسانی برای بهره‌گیری از این فرصت‌ها و این شرایط در میدان باشند."

مشکلات مالی، مشکلات سیاسی، مشکلات جغرافیایی، مشکلات نظامی، همه اینها قابل حل اند. همچنان که برای بسیار مبارزان دیگر وجود داشته‌اند و حل شده‌اند. منتها همه اینها هنگامی حل شده‌اند که مشکل وجود خود مبارزان حل شده است.

رژیم قرون وسطائی کنونی ایران در حال حاضر بخاطر تامین منافع کاسبکاران شرق و غرب مورد تائید کم یا بیش آنهاست. ولی این بدان معنی نیست

جزای کمونیست (کومله): گذار از فکر مبارزه مسلحانه توده‌ای به مبارزه سیاسی حزب کمونیست (کومله) اخیرا تصمیم گرفته است که در اشکال مبارزه مسلحانه جاری این حزب دگرگونی‌های بنیادی پدید آورده و نقش مبارزه

که این کاسبکاران با چنین رژیمی پیمان زناشویی مادام‌العمری بسته باشند. بدین معنی است که اینجا خودشان احتمالا برای ساقط کردن حکومتی که در جهت تامین منافعشان کار می‌کند، کاری نخواهند کرد، اما مسلما برای جلوگیری از سقوط آن نیز در صورتی که قدرت ملی نیرومندتری با بخت پیروزی بیشتر قد علم کرده باشد، با بمیدان نخواهد گذاشت.

ولی چنین قدرت نیرومند ملی از ائتلاف بزرگ ضعیفان بوجود نمیدارد زیرا که به هر حال جمع چندین صفر بیش از صفر نمیشود. در پیکار سرنوشت، پیروزی دستاورد خود باختگان از نفس افتاده‌ای نیست که حتی اراده جنگیدن برای زنده ماندن را نیز از دست داده باشند، چه ایشان بصورت فردی و چه بصورت جمعی بمیدان بیایند. نه با شکست خوردگان بمیدان پیکار میتوان رفت و نه باورشکستگان میتوان تاجر تخانه گشود. مردان واقعی این میدان آتھایی هستند که بدانند چه میخواهند و در تلاش برای رسیدن بدین خواست مصمم و قاطع و آماده فداکاری باشند."

وی در ادامه مقاله با طرّح انتقادات معین خود از رضا پهلوی مشخصات نیروی مورد نظر خود را نیز ترسیم میکند "در پایان سخن تذکری خاص را در باره نقشی که در این دو مورد به عهده مسئول ترین مقام ایرانی است ضروری میدانم. مقامی که متأسفانه در همه این ۱۲ سال نه تنها از جانب مدعیان کاذب مبارزه و یهودا نشان دوست نما بلکه بیش از همه از جانب صاحب خود این مقام در تضعیف اعتبار سنتی و کاهش پشتوانه ملی آن کوشیده شده است. مسئولیت این مقام سلطنت اکنون با شهریار رضا پهلوی است و چنین مسئولیتی نه به حکم تاریخ ایران و نه به حکم قانون اساسی مشروطیت ایران اجازه آتر انجی‌دهد که مشرویت این مقام از جانب کسی که خود عهده دار آنست مورد سؤال قرار گیرد یا نادیده گرفته شود یا اصولا نفی شود.

چنین حتی را نه شهریار ایران دارد، نه پادشاه سوئدنه ملکه انگلستان، نه امپراطور ژاپن، البته همه ایشان، همانند پادشاه و ملکه دیگر میتوانند استعفا کنند، ولی نمی‌توانند هم در چنین مقامی باشند و هم مشرویت آتر از زیر سؤال ببرند.

وقتی که شهریار رضا شاه دوم در موضع سخنگوی مخالفان سلطنت، در مصاحبه‌ای با کیهان و یا با فیگارو میگوید که امروز برای من مسئله سلطنت مطرح نیست و من تکیه بر نقش خود بعنوان پادشاه نمیکنم با چنین اظهار نظر هملا پا از اختیاراتی که قانون اساسی کشور به ایشان داده است فراتر میگذرانند و وقتی هم که رئیس دفتر سیاسی ایشان در گفتگو با یک درباردار جمهوری خواه و مخالف اعلام شده سلطنت تصریح میکند که ایشان دیگر خودشان را رضا شاه دوم نمی‌دانند و فقط رضا پهلوی می‌باشند، این مقام مسئول نیز با چنین اظهاری پا از حدود اختیارات خود فراتر میگذارد، زیرا هیچ مجوزی اجازه به معامله با اساس سلطنت را حتی در احوال مساغلی بسیار محتمل از مصالحه در امر تشکیل اتحادیه عجیب الخلقه سلطنتی - جمهوری - مارکسیستی نمی‌دهند و لو آنکه مصالحه‌گران خود پادشاه و یا رئیس دفتر سیاسی ایشان باشند.

در هوض میباید در شرایط خاص کنونی بدین واقعیت دیگر نیز، به حکم آزمایش ها و تلاش‌های ناموفق یازده ساله تاکید نمود که در احوال مساغلی نکر و سیاسی شهریار رضا پهلوی از مسئولیت‌های مقام سلطنت و نحوه ایفای این مسئولیت‌ها با آن برداشت‌هایی که میلیون ایران از همین مسئولیت‌ها و نحوه ایفای آنها در شرایط استثنائی و اضطراری کنونی دار ند بکلی تفاوت میکند."

و در انتهای مقاله وی نتیجه گیری می‌کند که "منطقی ترین راه پاسخگویی بدین نیاز، طبعاً این است که شهریار رضا شاه دوم در مقام پادشاه قانونی کشور و نماینده قانون اساسی و پرچمدار سنتی ناسیونالیسم ایرانی راه بن بست دوازده ساله را که در هیچ زمانی بیراهه‌ای بیش نبوده است با قاطعیت کنار بگذارند و سرانجام در نقش واقعی یک پادشاه دوران جنگ ایران با قبول همه تعهدات و مسئولیت‌های آن پا به میدان گذارد.

ولی اگر کارگردانان اتحاد بزرگ همچنان بر ادامه بی‌تحرکی و بی‌خاصیتی دوازده ساله پافشاری کنند و اگر پادشاه نیز همچنان به ایفای نقش بی‌خطر - ولی در عین حال بی‌اثر - هماهنگ کننده نیروها دل خوش کند و میدان مبارزه واقعی را کماکان خالی بگذارد، در آن صورت خواه تاخواه فقط یک راه حل سومی باقی میماند و آن اینست که جبر تاریخ، مبارزانی دیگر را به صورت مردان و زنانی مصمم تر، آحاده تر، بی‌باکتر و مسئول تر برای دفاع از موجودیت ایرانی روانه میدان کند."

جزای کمونیست (کومله): گذار از فکر مبارزه مسلحانه توده‌ای به مبارزه

مسلحانه و احدهای کماندوینی

مسلحانه را در تاکتیک‌های حزب محدودتر نموده و شکل مبارزه مسلحانه واحدهای کماندوینی را در پیش بقیه در صفحه ۳

انتخابات در بنگلادش

رهبری می‌کند. پارلمان بنگلادش ۳۵۰ کرسی خواهد داشت. برای احراز این کرسی‌ها، نزدیک به ۲۸ هزار کاندیدای ۷۰ حزب دست به رقابت زدند. از کرسی‌های پارلمان ۳۵۰ کرسی مختص زنان است. قرار است حزبی که اکثریت آرا را بدست می‌آورد، این کرسی‌ها را اشغال کند. در خلال مبارزات انتخاباتی بنگلادش حداقل ۱۷ تن کشته شدند.

دو رقیب انتخاباتی اصلی بنگلادش مشترکاً مبارزه علیه ژنرال ارشد دیکتاتور سرنگون شده را سازمان داده بودند. انتظار می‌رود اختلاف آرای دو حزب رقیب بسیار اندک باشد.

انحلال ساختار نظامی پیمان ورشو

امسال منحل می‌شود. وزیر خارجه چکسلواکی پیشنهاد کرد در آغاز ماه ژوئیه تصمیم به انحلال ساختارهای سیاسی پیمان ورشو نیز به امضای رسد.

وزیر خارجه مجارستان هنگام امضای سند پراگ خواهان برقراری "مناسبات صادقانه میان کشورهای مستقل" به جای دوستی مورد تاکید در پیمان ورشو شد و افزود باید حق هر دولت عضو پیمان در پیوستن به "سیستم امنیتی دلخواه خود" به رسمیت شناخته شود.

پیمان ورشو با انحلال آلمان شرقی اکنون شش عضو دارد: شوروی، لهستان، چکسلواکی، مجارستان، بلغارستان و رومانی.

بومی ندارد. این مهم‌ترین تفاوت میان تولید نفت و تولید سایر کانی‌ها (نظیر ذغال سنگ، مس، الماس و حتی طلا) است. در مورد کانی‌های غیرنفتی، منافع حاصله میان: ۱ - نیروی کار ۲ - سرمایه خصوصی ۳ - سرمایه دولتی تقسیم می‌شود. سهم دولت از درآمد (سوازی سود حاصله از سرمایه‌گذاری خودش)، عبارت است از مالیات‌هایی که بر تولید بسته می‌شود. ولی در مقابل، عواید نفت به صورت منبع

تقریباً هیچ احتیاجی به ابزار تولید

چهارشنبه هفته گذشته نخستین انتخابات آزاد پارلمانی بنگلادش پس از ۱۶ سال دیکتاتوری نظامی برگزار شد. ۶۲ میلیون نفر از مردم بنگلادش دارای حق رای بودند. گزارش‌های رسیده حاکی است میزان شرکت مردم در رای‌گیری، بسیار چشمگیر بوده است. محتمل‌ترین برنده انتخابات بنگلادش، خانم حسینیه وازد رهبر حزب "عوامی لیگ" و دختر مجیب‌الرحمان بنیانگذار دولت بنگلادش است. رقیب عمده او بیگم خالده ضیا بیوه ژنرال ضیاالرحمان رهبر نخستین کودتای نظامی است که خود در سال ۱۹۸۱ به قتل رسید. خالده ضیا حزب ناسیونالیست را

پیمان ورشو ۵۳ سال پس از تأسیس از اول آوریل به موجودیت خود پایان خواهد داد. وزرای خارجه و دفاع کشورهای عضو این پیمان هفته گذشته با امضای سندی در پراگ این تصمیم را رسمیت بخشیدند. از اول آوریل ۱۹۹۱، تعهد اعضای پیمان به همبستگی دفاعی در صورت مورد حمله قرار گرفتن یک کشور عضو، ملغی خواهد شد. با این حال قرار است ساختارهای سیاسی پیمان ورشو تا مارس ۱۹۹۲ پابرجا بماند. سند امضا شده در پراگ پیش‌بینی می‌کند فرماندهی مشترک پیمان ورشو و ستاد کل نیروهای این پیمان در کنار همه تشکیلات نظامی آن تا اول آوریل

چکیده‌ای از همین مدل مطرح می‌شود و بر اساس آن مسائل اقتصاد کشورمان مورد بحث قرار می‌گیرد. نویسنده بر آن است که عواید نفتی که توسط این حکومت دریافت می‌شود، اقتصاد، سیاست و جامعه‌شناسی کاملاً ویژه‌ای در این دسته کشورهای پدید می‌آورد. نفت منبع کمیاب و کارای انرژی است که بارزترین ویژگی تولید، صدور و درآمدش در این است که (جز در مراحل اولیه) تقریباً هیچ احتیاجی به ابزار تولید

گارباجف: مخالفان می‌خواهند دولت شوروی را سرنگون کنند

تدارک همه‌پرسی ۱۷ مارس برای تصمیم‌گیری پیرامون سرنوشت اتحاد شوروی ادامه دارد. در کیف پارلمان اوکراین تصمیم گرفت همزمان با این همه‌پرسی، یک نظرخواهی عمومی درباره آینده این جمهوری نیز برگزار کند. در مسکو، بلوک "روسیه دمکراتیک" در پارلمان شوروی تصمیم گرفت از رای‌دهندگان دعوت کند در فراندوم به عدم بقای اتحاد شوروی رای دهند. "روسیه دمکراتیک" طرفدار باریس یلتسین است. در مناطق استخراج زغال سنگ اوکراین و کاراکستان معدنچیان شوروی دست به اعتصاب زده‌اند. هدف از این اعتصاب، افزایش حقوق و کاهش سن بازنشستگی است. برخی نیروهای رادیکال در اتحادیه مستقل معدنچیان خواهان افزودن خواست استعفا گارباجف بر اهداف اعتصاب شده‌اند.

شاه از تقسیم قدرت با متحدینش در کودتای ۲۸ مرداد (یعنی ملاکان، پیشوایان مذهبی و سیاستمداران قدیمی) نفرت داشت. پدرش او را یک شبه مدرنیست و شبه ناسیونالیست بار آورده بود. با فرهنگ ایران بیگانه و از عقب‌ماندگی آن شرمسار بود. او برای بزرگ کردن خود از طریق مدرنیسم سطحی تاشکیان بودی می‌خواست با نشان دادن اینکه او نمیک "فرمانروای سنتی" بلکه یک "شاه متمدنی" است، دوستان و حامیان آمریکائیش را رضای نگه‌دارد.

محمدرضا شاه تا قبل از فرم ارضی ۴۱ هم نماینده منافع ملاکین نبود و از ۱۳۳۱ به بعد، شاه برای ملاکین صرفاً متحدی بود که هر روز بر ترسیدهایش افزوده می‌شود. او می‌خواست قدرت سیاسی به انحصار خود درآورد، هم از آن رو که نفی نسخه خواستار آن بود و هم از آن رو که بتواند به رویاهای سطحی ناسیونالیستی و شبه مدرنیستی خود جامه عمل بپوشاند و این امر نه با یک طبقه قدرتمند ملاکان سازگاری داشت و نه بایک قدرت مذهبی مستقل.

پس از بهمن ۴۱، شاه دست به کار تجدید بنای کامل استبداد ایرانی شد که با کمک درآمدهای نفتی و به بهای تباهی مردم ایران، متحقق ساخت. اما خطاست که استبداد نفتی شبه مدرنیست شاه را کاملاً و یاحتی به طور عمده، بخشی از یک طرح عظیم امپریالیستی بدانیم که وی صرفاً مأمور اجرای آن بود. واقعیت آن است که بارشده سریع و چندی بعد انفجاری عایدات نفتی (که خود شاه در او یک از جمله مبتکرینش بود)، وابستگی وی به امریکائی‌ها به تدریج کمتر شد. به همین دلیل است که وی انقلاب بهمن ۵۷ را چیزی جز توطئه امریکا برای تنبیه خود (به دلیل استقلال رای) نمی‌دانست.

یک مدل نظری نوین: کاتوزیان پیش‌تر از این در تحقیقی با عنوان "اقتصاد سیاسی توسعه کشورهای صادرکننده نفت" مدل جدیدی در بررسی اقتصاد کشورهای نفت خیز ارائه کرده بود. در "اقتصاد سیاسی ایران"

نوشته‌ای از پوپف شهردار مسکو بود که با عنوان "چه باید کرد؟" به چگونگی پیشبرد اهداف اپوزیسیون از طریق گسترش مبارزه علیه دولت می‌پردازد. رئیس جمهور شوروی گفت مخالفان دولت خصلت ضدکمونیستی هر چه بارزتری به خود می‌گیرند. گارباجف بار دیگر تاکید کرد که باید به "انتخاب سوسیالیستی" به عمل آمده در انقلاب اکتبر وفادار ماند. ایوان پولوسکف دبیر اول حزب کمونیست روسیه در یک اجلاس گروه‌های موسوم به "نگرش انتقادی و جدید به پروسترویکا" شد. پولوسکف گفت علت اصلی اینکه شوروی به "لبه پرتگاه" کشیده شده، "بحران اراده سیاسی" است. پولوسکف اظهار داشت: "ما حزب قانون و نظم ایم. تحت شرایط بحرانی، لازم است که یک قدرت دولتی مستحکم و اجرای اکید قانون اساسی تأمین شود."

است، که از جمله هواقبش این بود که مصدق نتواند در مذاکره با نمایندگان بانک جهانی به توافق برسد. او "ارمان‌گرایی رمانتیک" را بیمارای می‌شناسد که هنوز هم جامعه روشنفکران متمدنی ایران و سایر کشورهای دچار آن هستند. اگر سیاست، هنر بهره‌برداری از امکانات، در مقابل رمانتیسم سازش‌ناپذیری تا آخرین قطره خون را توصیه می‌کند. و در این مور همین هم به گمان همین رمانتیک‌ها، دولت مصدق باید همه چیز را فدای اجتناب از سازش و توافق می‌کرد تا بعدها بتواند لاف‌زد که نهضت و رهبران آن حتی به بهای نابودی خود نهضت، یک قدم هم در مقابل دشمن عقب‌نشستند.

قیام ۱۵ خرداد: بنا بر ملاحظات قابل فهم، کاتوزیان تاکنون در برخورد با این حادثه، صراحت کمتری داشته و موضوع را به قول معروف درز گرفته است. اما این امر باعث آن نیست که در یک برخورد عمومی اعلام کند که این قیام نه صرفاً مذهبی، نه صرفاً محافظه‌کارانه، نه صرفاً رادیکال و دمکراتیک بود. قیام مردم بود بر علیه حکومت و همه گرایش‌ها را در برمی‌گرفت. رهبری آن در دست پیشوایان مذهبی، خاصه خمینی بود و افرادش را بازاریان، دستفروشان، کاسبکاران و صنعتگران، کارگران، بیکاران و فعالان سیاسی تشکیل می‌دادند. مذهب، پوشش آن و ضدیت با استبداد عامل وحدتبخش آن بود.

شبه مدرنیسم محمدرضا شاه: در تحلیل از موقعیت محمدرضا شاه، کاتوزیان اساساً با تحلیل‌های معمول فاصله می‌گیرد و بویژه پس از ۲۸ مرداد ۳۲ وی را در چارچوب "بنابارتیسم" یعنی دیکتاتوری فردی مستقل و فرای طبقات بررسی می‌کند. کاتوزیان معتقد است که پس از کودتا و بعد از آنکه شاه خود را از شر سرلشکر زاهدی هم خلاص کرد، زمینه‌های تبدیل رژیم حاکم بر ایران را از یک حکومت محافظه‌کار - توانگر سالار (پلوکراتیک) به دیکتاتوری فردی فراهم می‌کند. محمدرضا

شوروی افزود: "غیرممکن است که بتوان گذار به اقتصاد بازار را تحت شرایط هرج و مرج و بی‌نظمی و بی‌ثباتی انجام داد." گارباجف با اظهار تاسف، گفت شعارهایی که زمانی راهنمای نیروهای پرسترویکا بود، اکنون پوششی برای طرح‌های گسترده‌ای است که "در برخی موارد در مراکز در خارج تهیه می‌شود". گارباجف گفت: "این "دمکرات‌ها" (اشاره به یلتسین و طرفداران او) با تجزیه طلبان و گروهی ناسیونالیست متحد شده‌اند. آنها یک هدف مشترک دارند که عبارت است از تضعیف و در صورت امکان نابودی اتحاد." رئیس جمهور شوروی خاطر نشان کرد از آنجا که انتظارات اولیه نیروهای اپوزیسیون برای رسیدن به قدرت از طریق پارلمان‌های شوروی برآورده نشده است، این نیروها اکنون به "تاکتیک‌های نئولشویکی" روی آورده‌اند. اشاره گارباجف به

انفعالات عوامل سیاسی و روانی داخلی در دخالت و سلطه خارجی‌ان نقش اساسی را داشته و مآزمانی که در جستجوی عوامل داخلی و تحلیل آنها غفلت ورزیم، مشکلاتمان همچنان بر جای خواهند ماند. از سوی دیگر تئوری "توطئه" تبلیغ نوعی فالتالیسم (قدرگرایی) است. به این معنا که می‌گوید: هم نهضت‌های ترقیخواه در ایران محکوم به شکست مطلقاً اجتناب‌ناپذیر بوده‌اند و دشمنان خارجی و داخلی آن چنان قدرتمندانه که تحت هر شرایطی از موفقیت آن جلوگیری می‌کنند. اما این نظریه نادرست و ناسازگار با واقعیت است، زیرا که هنر رهبری و خواست مردم را نادیده می‌گیرد و نسخه‌ای است که انفعال و یا تسلیم در برابر دشمنان نهضت را تجویز می‌کند. در بررسی شکست هر گام از جنبش مردم باید این سوال را پیش روی نهاد که: برای تضمین موفقیت جنبش در آن مقطع، نهضت و رهبران آن چه باید می‌کردند؟

وجدان ملت ایران: کاتوزیان در جای دیگری نوشته است که دکتر محمد مصدق هنوز هم پدیده‌ای ناشناخته در تاریخ معاصر ماست و خودش برای شناساندن جنبه‌های گوناگون این شخصیت اصیل تلاش‌های جدی کرده و از جمله آخرین کارهایش: مصدق و نهضت ملی ایران به همین امر اختصاص یافته است. در "اقتصاد سیاسی ایران" کاتوزیان به تشریح پیرامون جنبش ملی شدن نفت و رهبری آن بحث و بررسی کرده است. نویسنده معتقد است که نه نهضت ملی شدن نفت یک جنبش ناسیونالیستی بود و نه مصدق یک ناسیونالیست. بلکه این نهضت، جنبشی دمکراتیک بود برای برقراری حاکمیتی مستقل از قدرت‌های خارجی و دمکراسی داخلی. در ایران، ناسیونالیسم - که به لحاظ تاریخی، زائیده تجربه اروپاست - ایدئولوژی استبداد بوده است. یعنی ایدئولوژی رضاشاه، فرزند وی و وابستگانشان. در تحلیل ملل شکست نهضت ملی شدن نفت، نویسنده از جمله "ارمان‌گرایی رمانتیک" را زیر شلاق گرفته

میخائیل گارباجف رئیس جمهور شوروی طی نطقی در جمهوری بلاروسی اظهار داشت مخالفان دولت شوروی در صدد سرنگون کردن قهرآمیز حکومت‌اند. گارباجف افزود در چنین شرایطی باید تضمین شود که "قوه مجریه از بالا تا پایین قدرت کار داشته باشد" و در سراسر کشور "وحدت ارگان‌های محافظ قانون" پایدار بماند. رئیس جمهور شوروی با نام بردن صریح از باریس یلتسین رئیس پارلمان جمهوری روسیه و گاوریل پوپوف شهردار مسکو، گفت: "به اصطلاح دمکرات‌ها با تجزیه طلبان متحد شده‌اند و تظاهرات و اعتصابات برای به دست گرفتن قهرآمیز قدرت ترتیب می‌دهند." گارباجف اظهار داشت تلاش‌های او ظرف یک تا یک و نیم سال اخیر از سوی یک جنگ قدرت بسیار شدید بلکه شده است. "جنگ قدرتی که می‌تواند به جنگ داخلی بینجامد." رئیس جمهور

نگاهی تازه به اقتصاد و سیاست در ایران معاصر

اقتصاد سیاسی ایران
نوشته: دکتر محمد علی (همایون) کاتوزیان
ترجمه: محمد رضا نفیسی - کامبیز فرزیزی
تهران - انتشارات پاپیروس ۱۳۶۸

کتاب مورد بحث ترجمه‌ای است از "اقتصاد سیاسی ایران مدرن ۱۹۷۹ - ۱۹۲۶" و "استبداد و به اصطلاح مدرنیسم"

اقتصاد سیاسی ایران نوین: استبداد و شبه مدرنیسم ۱۳۵۷ - ۱۳۵۵ نوشته دکتر کاتوزیان، استاد کرسی اقتصاد دانشگاه آکسفورد انگلستان. اقتصاد سیاسی ایران در دو مرحله و با عناوین: "سلطنت رضا شاه" و "سلطنت محمد رضا شاه" به فارسی ترجمه شده است. اصل اثر در ۱۹۸۱ به انگلیسی انتشار یافته است.

در ارزیابی از تاریخ معاصر کشورمان، بویژه با تاکید بر تحلیل اقتصادی از مجموعه روندها، نوشته دکتر محمد علی کاتوزیان را باید از جمله ارزشمندترین‌ها به شمار آورد. از جمله ویژگی‌های بارز این تحقیق، فاصله گرفتن نویسنده از تجزیه و تحلیل‌های رایج از تاریخ اجتماعی ایران است. فرض از "رایج" در این جا، همانا الگوبرداری از این یا آن مدل ارائه شده توسط صاحب‌نظران و تطبیق مکانیکی آن بر شرایط ایران است. به این لحاظ اثر فوق را با هیچ شبهه‌ای می‌توان تهور آمیز خواند. برای اثبات این ادعا، تلاش می‌کنم تا چکیده برخی از نکات مهم مطرح شده در این نوشتار را در زیر بیاورم.

در نظریه "توطئه": کاتوزیان چه در این کتاب و چه در سایر آثارش، همواره با نظریه "توطئه" در تحلیل تحولات اجتماعی مخالفت کرده است. این نظریه همانا داستان معروف "کار، کار انگلیسی‌هاست" که در ایران طرفداران جدی دارد. نویسنده معتقد است که بی‌تردید نیروهای خارجی در پی پیشبرد منافع خاصشان در امور ایران دخالت می‌کنند. اما فعل و

برای اشتراک تشریفات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمپریتی و یارسید باتکی برداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراک	شش ماهه	یک ساله	دیگر نقاط
اروپا	۱۱ مارک	۲۱ مارک	۱۳ مارک
نشریه "کار"	۲۱ مارک	۴۱ مارک	۲۲ مارک

بهای اشتراک	شش ماهه	یک ساله	دیگر نقاط
اروپا	۳۲ مارک	۶۲ مارک	۳۹ مارک
نشریه "اکثریت"	۶۲ مارک	۱۲۰ مارک	۷۶ مارک
نشریه "کار"	۱۲۰ مارک	۱۵۰ مارک	۱۵۰ مارک

*درس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

اکثریت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور آدرس: M.ABD NO. 35263011 37050198 Stadtparkasse K81a GERMANY	AKSARIYAT NO. 339 MONDAY 4.MAR.1991 آدرس: RUZHEN POSTFACH 1810 31000 AACHEN GERMANY
---	--